

فانوس ہدایت ۱۳

# ستارہ و تاریکی

حسن بن علی ؑ

سید علی پور حسینی

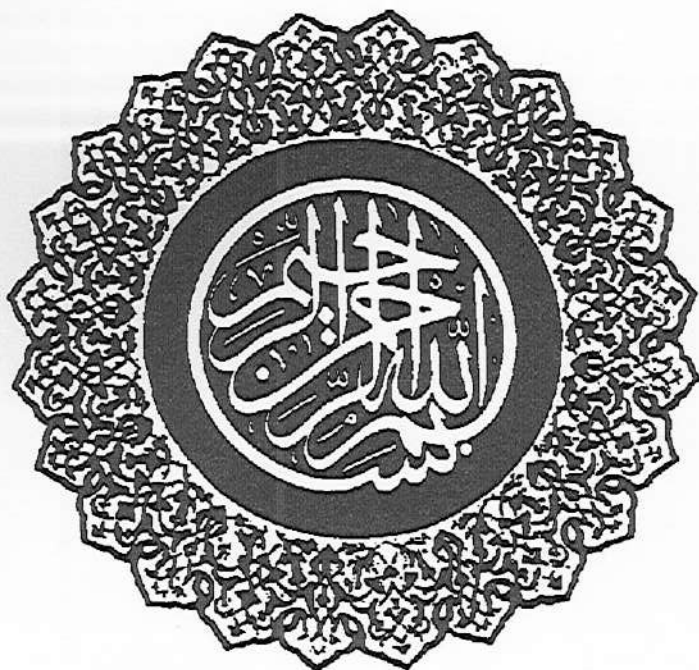
|                     |                                                            |
|---------------------|------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | پور حسینی، سیدعلی، ۱۳۶۰ -                                  |
| عنوان و پدیدآور     | ستاره و تاریکی: حسن بن علی علیه السلام / سیدعلی پور حسینی، |
| مشخصات نشر          | مشهد، موسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب، ۱۳۹۰.     |
| مشخصات ظاهری        | ۱۰۰ ص.                                                     |
| فروست               | فانوس هدایت: ۱۳.                                           |
| شابک                | ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۹-۳۹۵-۵                                          |
| وضعیت فهرست نویسی   | فیا                                                        |
|                     | موضوع: حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، ۲۳۲-۲۶۰ ق.             |
|                     | رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ س۲ ۸۷/ب۷ BP۵۰                         |
| رده بندی دیویی      | ۲۹۷/۹۵۸۴                                                   |
| شماره کتابشناسی ملی | ۲۲۸۶۷۸۳                                                    |

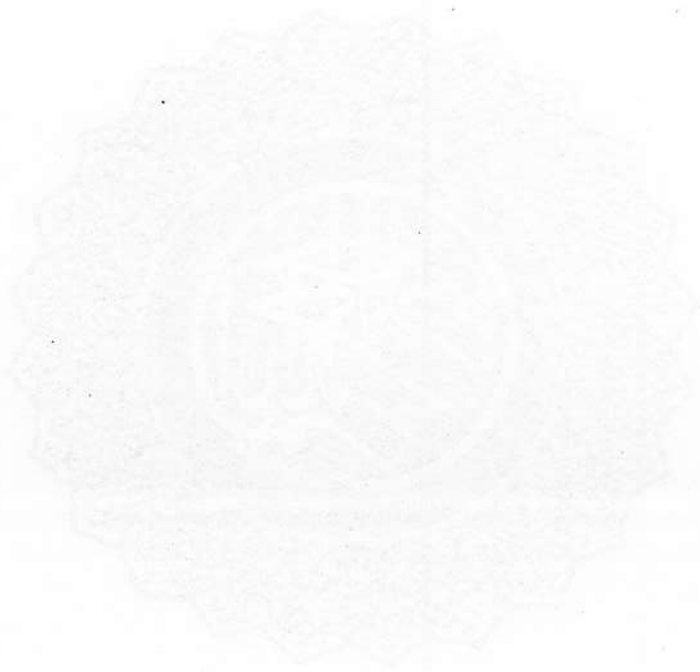
« حق چاپ محفوظ است »



|          |                                                                                     |
|----------|-------------------------------------------------------------------------------------|
| نام کتاب | فانوس هدایت ۱۳ (ستاره و تاریکی)                                                     |
| مؤلف     | سیدعلی پور حسینی،                                                                   |
| ناشر     | مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب                                           |
| طرح جلد  | انتشارات فرا گستر محقق                                                              |
| نوبت چاپ | اول ۱۳۹۰                                                                            |
| قطع      | رقعی                                                                                |
| شمارگان  | ۱۰۰۰ نسخه                                                                           |
| قیمت     |  |
| چاپ      | ۳۳۲۵-۵۳۰۰۰                                                                          |
| شابک     | ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۹-۳۹۵-۵                                                                   |

مرکز بخش: مشهد - خیابان امام خمینی - جنب اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی - دفتر نشر و فروشگاه مرکزی  
 نشر: ۰۵۱۱)۲۳۲۲۶۷۵ ( سفارشات: ۰۵۱۱)۲۳۸۳۴۲۲ ( غایب: ۰۵۱۱)۲۳۲۲۲۲۲ (





- گفتار چهاردهم: نجات جامعه از بحران‌های سرنوشت‌ساز... ۴۶
- مبحث ششم: رهنمودهای تربیتی اجتماعی امام حسن عسکری... ۴۸
- گفتار اول: ویژگی‌های شیعه... ۴۸
- گفتار دوم: ارزش تفکر... ۵۰
- گفتار سوم: جایگاه مؤمن... ۵۱
- گفتار چهارم: بهترین ویژگی‌ها... ۵۱
- گفتار پنجم: بهترین حد و اندازه... ۵۲
- گفتار ششم: بیان شرک... ۵۲
- گفتار هفتم: جایگاه تواضع... ۵۳
- گفتار هشتم: ناهنجاری‌های اخلاقی... ۵۴
- فصل دوم: ستاره‌ای در شب تاریک پیش از غیبت... ۵۷
- مقدمه... ۵۸
- مبحث اول: روزگار ظلم و خفقان... ۵۸
- مبحث دوم: خلفای دوران امام و ظلم آن‌ها... ۶۱
- گفتار اول: امام عسکری علیه السلام و معتز عباسی... ۶۳
- گفتار دوم: امام عسکری علیه السلام و مهدی عباسی... ۶۴
- گفتار سوم: امام عسکری علیه السلام و معتمد عباسی... ۶۵
- مبحث سوم: خلفاء و علل دشمنی آن‌ها با امام عسکری علیه السلام... ۶۶
- مبحث چهارم: جهاد سیاسی و فرهنگی با شیوه تقیه... ۶۹
- گفتار اول: پیکار سیاسی... ۷۲
- گفتار دوم: پیکار فرهنگی... ۷۵
- بند اول: حفاظت از مرزهای معارف اسلام... ۷۹

## فهرست

|    |                                                        |
|----|--------------------------------------------------------|
| ۹  | مقدمه.....                                             |
| ۱۳ | فصل اول: سیره و رهنمودهای امام حسن عسکری (ع).....      |
| ۱۴ | یک نگاه.....                                           |
| ۱۵ | مبحث اول: ولادت حضرت امام حسن عسکری (ع).....           |
| ۱۶ | مبحث دوم: خلفای معاصر.....                             |
| ۱۶ | مبحث سوم: شهادت امام عسکری (ع).....                    |
| ۱۹ | مبحث چهارم: امامت امام عسکری (ع) در روایات.....        |
| ۲۲ | مبحث پنجم: سیره فردی و اجتماعی امام حسن عسکری (ع)..... |
| ۲۳ | گفتار اول: عبادت.....                                  |
| ۲۴ | گفتار دوم: سخاوت.....                                  |
| ۲۶ | گفتار سوم: زهد و ساده زیستی.....                       |
| ۲۷ | گفتار چهارم: جذب عواطف و صید دل‌های مشتاق.....         |
| ۳۱ | گفتار پنجم: پرورش نیروی تفکر و تعقل در افراد.....      |
| ۳۳ | گفتار ششم: ترویج فرهنگ صرفه جویی.....                  |
| ۳۵ | گفتار هفتم: تأکید بر اصل قرآنی تقیه.....               |
| ۳۶ | گفتار هشتم: تبیین جایگاه آل محمد (ع) در جامعه.....     |
| ۳۷ | گفتار نهم: اهتمام به دو اصل تولی و تبری.....           |
| ۳۹ | گفتار دهم: پاسخ به پرسش‌های روز.....                   |
| ۴۲ | گفتار یازدهم: تشویق عالمان و دانشمندان راستین.....     |
| ۴۴ | گفتار دوازدهم: ترغیب به خدمت رسانی.....                |
| ۴۴ | گفتار سیزدهم: رهبری مبارزات سری.....                   |

- 
- ۸۱..... بند دوم: موضع گيري در برابر منكران خدا.
- ۸۴..... بند سوم: برخورد شديد با واقفيّه و غلات
- ۸۶..... مبحث پنجم: امام و زندان‌هاي خلفا
- ۸۹..... مبحث ششم: شورش‌ها در برابر ظلم‌ها
- ۹۲..... روضه حضرت حسن عسکري
- ۹۵..... منابع و مآخذ



## مقدمه

خوشبختی، سعادت، شادکامی و آرامش گنج‌هایی هستند که همه در پی یافتن آن روز و شب تلاش و کوشش می‌نمایند، اما بسیاری از انسان‌ها هرگز آن را نمی‌یابند. چرا؟

جواب این سؤال در تار و پود این گنج نهفته است. برای بافتن این لباس باید انسان را شناخت، جهان پیرامون انسان را نیز شناخت، اما شناختی صحیح؛ هر نگرشی توان ارتباط برقرار کردن بین انسان و جهان را ندارد. باید به گونه‌ای انسان و جهان پیرامون او را شناخت که این دو عنصر از هم جدا نشدنی باشد. ضرر به هستی، ضرر به انسان محسوب شود و بالعکس؛ پس تار و پود لباس سعادت از معرفت و عمل است، معرفت نسبت به خود و شناخت نسبت به جهانی که در آن هستیم، اما برای عمل وقت محدود است. در این فرصت محدود چگونه می‌توان خویشتن واقعی خویش را شناخت و پی به حقیقت انسانی برد؟ چگونه می‌توان جهان پیرامون را شناخت در حالی که در

باتلاق‌های آن گرفتار نشد و به ساحل آرامش رسید؟ با کدام فانوس هدایت می‌توان راه سعادت را یافت و رستگار شد؟

بهترین راه صراطی است که ائمه و معصومین علیهم‌السلام از جانب خداوند برای هدایت انسان بیان کرده‌اند، آن‌ها خود با عمل به دستورات الهی به خوشبختی و آرامش واقعی رسیده‌اند و با رفتار و گفتار خویش دیگر انسان‌ها را نیز به نوشیدن این شهد گوارا دعوت نموده‌اند.

در طرح «انسان، الگوهای انسانی و جهان پیرامون انسان» به بررسی این سه محور پرداخته می‌شود اما نگاهی که در این بررسی‌ها پیرامون این موضوعات است نگاهی همچون نگاه بافنده به تار و پود لباس است، بافنده هیچ گاه تار و پود لباس را جدا از هم نمی‌بیند، انسان سعادت‌مند نیز هیچ گاه این سه محور را جدا از هم نمی‌جوید. «فانوس هدایت» عنوان سلسله مباحثی است که در قسمت الگوهای انسانی به بررسی زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام و بزرگان دینی می‌پردازد. سعی بر این بوده مباحث به گونه‌ای مطرح شود که بزرگان دینی به عنوان یک الگوی کاربردی در زندگی انسان مطرح شوند نه به عنوان افرادی ماورای انسان و انسانیت که تمسک به آن‌ها امکان‌پذیر نیست. اما تا کنون هفده کتاب برای محور «الگوهای انسانی» تهیه و تدوین گردیده که شرح مختصری از این کتاب‌ها به این قرار است:

۱. رسالت و امت (زندگانی حضرت رسول اکرم ع)
۲. عادل و مظلوم (زندگانی حضرت علی ع)
۳. آئینه و راه (زندگانی حضرت فاطمه ع)
۴. صالح و دشمن (زندگانی حضرت امام حسن ع)
۵. نور و ظلمت (زندگانی حضرت امام حسین ع)
۶. علم و محراب (زندگانی حضرت امام سجاده ع)
۷. قلم و عالم (زندگانی حضرت امام محمد باقر ع)
۸. استاد و شاگرد (زندگانی حضرت امام جعفر صادق ع)
۹. سکوت و فریاد (زندگانی حضرت امام موسی کاظم ع)
۱۰. غریب و آشنا (زندگانی حضرت امام رضا ع)
۱۱. کودکی و جانشینی (زندگانی حضرت امام جواد ع)
۱۲. هادی و هدایت (زندگانی حضرت امام هادی ع)
۱۳. ستاره و تاریکی (زندگانی حضرت امام حسن عسکری ع)
۱۴. منتظر و منتظر (زندگانی حضرت امام زمان ع)
۱۵. گذشت و صبر (زندگانی حضرت خدیجه و زینب ع)
۱۶. اسوه و الگو (زندگانی حضرت قاسم، علی اکبر و عباس ع)
۱۷. زمان و زمانه (بررسی شش مناسب شمسی و قمری)

هر کتاب دارای دو فصل می باشد، مباحثی در این دو فصل مورد بررسی و تحقق قرار می گیرد که جایگاه ویژه در زندگی هر کدام از

ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان دینی داشته‌اند.

اما باید خاطر نشان نماییم برای آشنائی با دیگر بزرگان جامعه‌ی اسلامی و تکمیل این مباحث این مجموعه در شماره‌های آینده به بررسی شخصیت‌ها دیگر خواهد پرداخت.

البته ابعاد دیگر زندگی ائمه اطهار علیهم السلام در مراحل بعد به صورت مفصل‌تر مورد بررسی و کنکاش قرار خواهد گرفت.

در همین جا مناسب است اشاره‌ای به فعالیت‌های تصویری و نرم افزاری داشته باشیم و این نوید را به دوستان بدهیم که این مجموعه با همت پژوهشگران مؤسسه پژوهشی فراگستر محقق به صورت تصویری و انشاء الله به زودی زود به صورت یک مجموعه نرم‌افزاری در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

در همین جا لازم است پیشاپیش از تمام کسانی که با نظرات خود ما را در این راه یاری می‌دهند تشکر و قدردانی نماییم.

سید علی پورحسینی

## فصل اول:

### سیره و رهنمودهای امام حسن عسکری علیه السلام

## یک نگاه

نام: حسن ؑ

کنیه: ابو محمد

لقب: عسکری

پدر: علی بن محمد ؑ

مادر: حدیثه

محل تولد: مدینه طیبه

تاریخ تولد: دوشنبه ۲۴ ع ۱ سال ۲۳۰ هجری

محل شهادت: سامرا

تاریخ شهادت: جمعه ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری

علت شهادت: زهر در طعام

قاتل: معتمد عباسی

مدفن: سامرا

مسافرت و مهاجرت: مدینه به عراق

زوجات: یک زن، نرجس خاتون

اولاد: فقط یک پسر مدت امامت: شش سال

مدت عمر: ۲۸ سال و ۲ ماه و ۲۹ روز<sup>۱</sup>

۱. عمادزاده، حسین، زندگانی ائمه معصومین یا چهارده معصوم، ص ۱۷۲

## مبحث اول: ولادت حضرت امام حسن عسکری ؑ

ولادت خجسته امام عسکری ؑ در مدینه طیبه در ماه ربیع الثانی اتفاق افتاده و در تعیین روز آن اختلاف است. برخی دوشنبه چهارم، برخی جمعه هشتم و بعضی دهم آن ماه دانسته‌اند، همچنین در سال آن اختلاف است بین ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، در این میان اشهر آن است که هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ هجری واقع شده است تاریخ مزبور برابر است با هشتاد و یک هزار و نهصد و پنجاه و شش (۸۱۹۵۶) روز بعد از مبدأ هجرت و به امر و بسط مطابق است با روز چهارشنبه چهاردهم آذر (۲۲۵/۹/۱۴) سال دویست و بیست و پنج شمسی.

نام مادر بزرگوار او به اختلاف، سوسن، سلیل، حریبه، حدیثه و جدّه به نگارش آمده، و کنیه آن حضرت ابو محمد و ابن الرضا، و مشهورترین القاب ایشان عسکری، هادی، زکی، سراج، صامت و رفیق است.

### مبحث دوم: خلفای معاصر

امام حسن عسکری علیه السلام در دوران خلافت معتز، مهتدی و معتمد زیست و پس از گذشت پنج سال از خلافت معتمد عباسی و به دستور او مسموم و شهید و در منزل خود دفن گردید.

### مبحث سوم: شهادت امام عسکری علیه السلام

به گفته تاریخ نگاران، امام عسکری علیه السلام در روز اول ماه ربیع الأول سال ۲۶۰ هجری بیمار گردید و در روز هشتم آن ماه به جوار رحمت الهی شتافت، علت شهادت او را مسمومیت از طرف معتمد عباسی نگاشته اند، این رخداد در حالی واقع شد که ۲۸ یا ۲۹ سال از عمر شریفش گذشته بود، بنابراین ۸ ربیع الأول ۲۶۰ برابر است با روز پنجشنبه، چهاردهم دی ماه دویست و پنجاه و دوی شمس و گذشت نود و یک هزار و هشتصد و چهل و هشت (۹۱۸۴۸) روز از مبدأ هجرت.

به نوشته محدث قمی، ابو سهل نوبختی (شیخ متکلمان امامیه در بغداد) گفت داخل شدم بر امام حسن عسکری علیه السلام در مرضی که به

۱. بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۰، ص ۲۳۵ تا ۲۳۸ و ص ۳۳۵، نشر مکتبه اسلامیة.

همان بيماري از دنيا رحلت فرمود و در نزد آن حضرت بودم كه امر فرمود خادم خود «عقيد» را [عقيد خادمي بوده است از اهل نوبه كه خدمت كرده بود حضرت امام علي النقي ؑ و پرورنده و بزرگ كرده بود امام حسن عسكري ؑ را] اي عقيد بجوشان از براي من آب را با مصطكي [مصطكي يوناني است و در فرانسه آن را ماستيك نامند و آن صمغي است خوشبو شبیه به كندر آن را آراء، پلاجور، رماس، و رماست نيز گويند، درختش ريزتر از كندر و سپيد آن نافع است و براي ناراحتي هاي معده، روده، جگر، سرفه كهنه مفيد است] وي آب را جوشانيد و صيقل مادر حضرت حجت ؑ آن را براي امام حسن آورد و همين كه قدح را به دست آن جناب داد و خواست بياشامد، دست مباركش لرزيد و قدح به دندان هاي ثنايي نازنينش خورد، پس قدح را از دست نهاد و به عقيد فرمود: داخل اطاق مي شوي مي بيني كودكي را به حال سجده است، او را نزد من بياور، ابو سهل گويد: عقيد گفت: من داخل شدم ناگاه نظرم به كودكي كه در حال سجده بود و انگشت سبابه به سوي آسمان بلند كرده بود افتاد، بر آن جناب سلام كردم آن حضرت نماز را مختصر كرد و در اين هنگام مادرش صيقل آمد دستش را گرفت و به نزد پدرش برد، ابو سهل گويد: چون آن كودك به خدمت امام حسن ؑ رسيد، سلام كرد و بر او نگاه كردم ديدم رنگ مباركش تالؤ دارد، موي سرش بهم پيچيده و

معتقد است و ما بین دندان‌هایش گشاده می‌باشد، همین که امام حسن علیه السلام نگاهش به کودکش افتاد، فرمود: «یا سید اهل بیته استی الماء فانی ذاهب الی ربی» پس آن آقازاده او را سیراب کرد، چون امام آب را آشامید فرمود: مرا برای نماز مهیا کنید آن طفل پدر را به اقل واجب وضو داد، پس امام حسن علیه السلام با وی فرمود: بشارت باد تو را ای پسرک من تویی صاحب الزمان، تویی مهدی و حجت خدا بر روی زمین، تویی پسر من و منم پدر تو، تویی «م، ح، م، د» بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن علی بن محمد بن علی بن ابیطالب علیه السلام و پدر تو است رسول خدا صلی الله علیه و آله تویی خاتم ائمه طاهرین و بشارت داد به تو رسول خدا صلی الله علیه و آله این عهدی است از پدرم از پدرهای طاهرین تو، «صلی الله علیه و آله علی اهل البیت ربنا انه حمید مجید» و در همان لحظه امام حسن علیه السلام وفات کرد.<sup>۱</sup>

آری معتمد، که امام عسکری علیه السلام را در برابر دستگاه ستم‌پیشه عباسیان سدّی نفوذناپذیر می‌دید، بر آن شد آخرین ضربه را بر حضرت وارد آورد و راه را برای تحقق آرمانهای پلیدش هموار کند. او امام را با زهر مسموم ساخت و چنان نمایاند که حضرت به مرگ

۱ محدث قمی، همان مدرک، لغت‌نامه دهخدا و یاران، ماده مصطکی.

زمانی قشمه‌ای، علی، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام،

شماره ۴۶۱، مرداد ماه ۱۳۷۸، ص ۴۹.

طبیعی از دنیا رفته است؛ ولی این توطئه نیز ناکام ماند و چهره واقعی وی بر همگان آشکار شد.

احمد بن عبید الله بن خاقان می گوید: ... چون خبر وفات آن حضرت در شهر سامره پخش شد، رستاخیزی در شهر پدید آمد و از همه مردم صدای ناله و شیون برخاست. خلیفه در پی فرزند نیکبخت آن حضرت برآمد و گروهی از مأموران را به خانه امام گسیل داشت تا وی را بیابند. خلیفه حتی زنان قابله را فرستاد تا از بارداری احتمالی کنیزان حضرت آگاه شوند ...<sup>۱</sup>

آری، دشمنان نمی دانستند که پروردگار نور خود را کامل کرده است و گوهر تابناک الهی حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه السلام پنج سال پیش بدین جهان گام نهاده، اینک پس از شهادت پدر گرامی اش بر جایگاه والای امامت تکیه زده است.<sup>۲</sup>

### مبحث چهارم: امامت امام عسکری علیه السلام در روایات

حضرت حجة بن الحسن امام زمان علیه السلام یگانه فرزند و جانشین امام حسن عسکری علیه السلام است که بعد از آن حضرت سکاندار کشتی ولایت

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۲۶.

۲. جعفری، سید علیرضا، دورنگایی از عصر امام عسکری علیه السلام، نشریه فرهنگ کوثر،

شماره ۱۷، مرداد ماه ۱۳۷۷، ص ۲۲.

و امامت گردید و امروزه آفتاب وجودش در پشت پرده غیب قرار گرفته است و به اراده خداوند متعال ظهور نموده و جهان را با نور وجودش پر از عدل و داد خواهد ساخت.

در مورد امامت امام عسکری علیه السلام روایات متعددی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است که یکی از آن روایات چنین است: یحیی بن یسار قنبری می گوید: امام هادی علیه السلام چهار ماه قبل از شهادت خویش به فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام وصیت کرد و به امامت و خلافت او اشاره نمود و در آن حال مرا به همراه عده ای از دوستان و شیعیان بر آن گواه گرفت.<sup>۱</sup>

محمد یکی از پسران امام هادی علیه السلام بود (و اکنون به امامزاده سید محمد معروف است و مرقد شریفش در چند فرسخی شهر سامره قرار دارد). در زمان پدرش امام هادی علیه السلام از دنیا رفت. شیعیان و دوستان از هر سو به خانه امام هادی علیه السلام آمدند و به آن حضرت تسلیت گفتند. حدود صد و پنجاه نفر از خاندان عبدالمطلب و بنی هاشم، در منزل امام هادی علیه السلام گرد آمدند و به امام هادی علیه السلام تسلیت گفتند. در این هنگام جوانی وارد مجلس شد و در سمت راست امام هادی علیه السلام نشست.

امام هادی ؑ به او فرمود:

يَا بُنَيَّ اَحَدَتْ لَكَ عَزَّ وَ جَلَّ شُكْرًا، فَقَدْ اَحَدَتْ فَيْكَ اَمْرًا.

«پسرم، خدا را شکر کن که در باره‌ات امری پدید آورد.» [مقام

امامت را به تو سپرد]

جوان گریه کرد، خدای را سپاس گزارد، کلمه استرجاع را به

زبان آورد و گفت:

«حمد و سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است؛ و من، از

جانب شما، از درگاه خدا، کامل کردن نعمتش را برای ما می‌خواهم،

إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ «ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.»

بعضی از حاضران که جوان را نمی‌شناختند: پرسیدند: «این جوان

کیست؟»

گفته شد: «حسن ؑ پسر امام هادی ؑ است.»

حاضران در آن روز، که حضرت حدود ۲۰ سال داشت، او را

شناختند و دریافتند که امام هادی ؑ به امامت او اشاره فرموده، وی را

جانشین خود ساخته است.

وقتی محمد فرزند بزرگ امام هادی ؑ وفات یافت، با خود فکر

کردم ماجرای محمد و برادرش حسن ؑ، مانند ماجرای اسماعیل و

امام کاظم، فرزندان امام صادق ؑ، است. نخست تصور می‌شد محمد،

پسر ارشد امام هادی، بعد از پدرش امام است؛ ولی بعد از وفاتش معلوم شد امام بعدی حسن عسکری علیه السلام است. در مورد فرزندان امام صادق علیه السلام هم همین طور. نخست تصور می شد اسماعیل امام هفتم است؛ ولی وقتی اسماعیل در گذشت، معلوم شد امام کاظم علیه السلام هفتمین امام است.

غرق در افکار خود بودم که امام هادی علیه السلام رو به من کرد و فرمود: «آری، ای ابوهاشم، ابو محمد (حسن عسکری علیه السلام) جانشین من است. علوم مورد نیاز مردم، و ابزار امامت (کتاب و سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) همراه اوست.<sup>۱</sup>

### مبحث پنجم: سیره فردی و اجتماعی امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام همانند پدرانش به همه فضائل و خوبی ها آراسته و از همه بدی ها پیراسته بود. او آن چنان در قلعه شکوهمند کمال و فضیلت قرار داشت که نه تنها دوستان و پیروانش او را ستوده اند بلکه دشمنان کینه ورز و سرسخت، به مدح و ستایش او

۱. اصول کافی، مترجم، ج ۲، ص ۱۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۴۱.

ملکی میانجی، محمد باقر، طرحی از سیمای عسکری علیه السلام، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۱۷،

مرداد ماه ۱۳۷۷، ص ۲۶.

پرداخته‌اند. برای نشان دادن این حقیقت، به چند نمونه از سیره فردی و اجتماعی این امام شریف اشاره می‌کنیم:

### گفتار اول: عبادت

امام عسکری علیه السلام همانند پدران گرامی خود در توجه به عبادت خدا نمونه بود. آن حضرت به هنگام نماز از هر کاری دست می‌کشید و چیزی را بر نماز مقدم نمی‌داشت. ابوهاشم جعفری در این مورد می‌گوید: روزی به محضر امام یازدهم مشرف شدم، امام مشغول نوشتن چیزی بود، وقت نماز رسید، امام نوشته را کنار گذاشته و به نماز ایستاد...

عبادت امام عسکری آن چنان قلب‌ها را مجذوب خود می‌نمود که دیگران را به یاد خدا می‌انداخت و حتی افراد گمراه و منحرف را به راه صحیح هدایت نموده و اهل عبادت و تهجد می‌نمود و بدترین افراد در اثر جذبۀ ملکوتی آن بزرگوار به بهترین انسان‌ها تبدیل می‌شدند.

روزی برخی از عباسیان از صالح بن وصیف (رئیس فرماندهان نظامی مهتدی عباسی) خواستند که بر امام عسکری علیه السلام سختگیری نماید. او گفت: دو نفر از بدترین و سخت‌گیرترین زندانبانان خود را

بر ابو محمد ابن الرضا (امام عسکری علیه السلام) گماشته‌ام، اما آن دو در اثر معاشرت با او منقلب شده و در عبادت و مناجات به مراحل عالی قدم گذاشته‌اند. سپس آن دو زندانبان را فراخوانده و در حضور عباسیان از حالات امام عسکری علیه السلام سؤال کرد و آنان گفتند: ما چه بگوییم در مورد کسی که روزها روزه می‌گیرد و همه شب به عبادت می‌ایستد و به غیر ذکر و سخن خدا هیچ سخن دیگری بر زبان نمی‌آورد و هنگامی که به ما نظاره می‌کند، بر بدن ما لرزه افتاده و کنترل خود را از دست می‌دهیم! وقتی عباسی‌ها چنین دیدند منقلب شده و برگشتند.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم: سخاوت

از آنجا که امامان معصوم علیهم السلام برترین نمونه و اسوه کامل صفات عالیہ انسانی بودند، رفتار آنان در همه ابعاد می‌تواند برای پیروانشان درس آموز باشد. و یکی از آن صفات زیبا، سخاوت است.<sup>۲</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام بسان اجداد بزرگوارش در بخشندگی و کمک به مردم یگانه روزگار بود. شخصی به نام محمد بن علی همراه پدرش، که از خاندان علویان بودند؛ ولی از گروه واقفیه به شمار

۱. وفیات الائمة، من علماء البحرین و القطیف، ص ۴۱۰.

۲. تبریزی، عبدالکریم، سیری در سیره فردی و اجتماعی امام حسن عسکری علیه السلام، نشر به

مبلغان، شماره ۳۰، ربیع الثاني ماه ۱۴۲۳، ص ۱۵.

می رفتند، در زندگی دچار بحران شدند و در مضیقه مالی سختی قرار گرفتند.

وی می گوید: پدرم گفت: برویم نزد این مرد (امام حسن عسکری) چون خصلت «بخشندگی» او را زیاد شنیده بودیم. در راه که می رفتیم، پدرم گفت: ای کاش آن حضرت برای برآورده شدن سه نیاز من، کمکم کند! من هم با خود گفتم: ای کاش به سه نیاز من توجه و عنایت کند!

نزد آن حضرت رفتیم، از حال ما پرسید، پاسخ دادیم. هنگامی که با امام خداحافظی کرده و از خانه خارج شدیم، خادم حضرت آمد و به اندازه‌ای که نیاز داشتیم و آرزو کرده بودیم، کیسه‌هایی از اشرفی به ما داد.

آنان با آنکه از امام عسکری کرامت دیدند؛ ولی دست از مرام خود برنداشتند.

ابوهاشم که یکی از یاران امام عسکری است نقل می کند: حضور امام حسن عسکری رسیدم. تصمیم داشتم مقداری نقره از حضرت بگیرم و از آن، به عنوان تبرک، انگشتر بسازم. در محضرش

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۶.

ربانی سبزواری، ابوالحسن، امام عسکری: نماد فضیلتها، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۶۰.

اسفندماه ۱۳۸۱، ص ۵۱.

نشستم، ولی به طور کلی هدف اصلی ام را فراموش کردم. وقتی برخاستم و خدا حافظی کردم، حضرت انگشترش را به من داد و فرمود:

تو نقره می خواهستی، ما انگشتر به تو دادیم، نگین و مزد ساخت آن هم مال تو باشد؛ گوارایت باد، ای ابوهاشم. گفتم: مولای من، گواهی می دهم ولی خدا و امام من هستی، امامی که دین داری من در اطاعت از او است. امام فرمود: خدایت بیامرزد، ابوهاشم!

### گفتار سوم: زهد و ساده زیستی

کامل بن ابراهیم مدنی در مورد زهد و ساده زیستی امام عسکری علیه السلام می گوید: جهت پرسیدن سؤالاتی به محضر آن حضرت شرفیاب شدیم. هنگامی که به حضورش رسیدیم، دیدم آن گرامی لباسی سفید و نرم به تن دارد. پیش خود گفتم: ولی خدا و حجت الهی خودش لباس نرم و لطیف می پوشد و ما را به مواسات و همدردی با برادران دینی فرمان می دهد و از پوشیدن چنین لباسی باز می دارد. امام در این لحظه تبسم نمود و سپس آستینش را بالا زد و من

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۴۴۵ و ۲۵۴.

ملکی میانجی، محمد باقر، طرحی از سیمای عسکری علیه السلام، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۱۷،

مرداد ماه ۱۳۷۷، ص ۲۶.

متوجه شدم که آن حضرت پوشاکی سیاه و زبر بر تن نموده است. آن گاه فرمود: «یا کامل! هذا لله و هذا لکم؛ این لباس زبر برای خداست و این لباس نرم که روی آن پوشیده‌ام برای شماست!»

### گفتار چهارم: جذب عواطف و صید دل‌های مشتاق

فضائل و کمالات معنوی آن حضرت موجب شده بود که دوست و دشمن شیفته آن حضرت شده و از صمیم قلب به آن حضرت ارادت بورزند و وجود گرامی امام را خواسته یا ناخواسته محترم شمارند. به دو نمونه در اینجا اشاره می‌کنیم:

۱ - احمد بن عبیدالله بن خاقان قمی نماینده خلیفه عصر و متصدی خراج شهر قم بود. او با اینکه یکی از دشمنان سرسخت و از آزار دهندگان اهل بیت علیهم‌السلام بود، در مورد ویژگی‌های اخلاقی امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌گوید: من در شهر سامرا هیچ کس از علویان را از لحاظ رفتار و وقار و پاک‌دامنی و نجابت و بزرگواری برتر از ابومحمد ابن الرضا (امام عسکری علیه‌السلام) نه دیدم و نه شناختم. او در میان خاندان خویش و قبیله بنی هاشم و سرلشکران و وزیران و سایر مردم و حتی در میان سالخوردگان و اشراف محترم‌تر و عزیزتر از همه بود، این حقیقت را من با چشم خودم مشاهده کردم.

روزی در کنار پدرم - که یکی از افراد سرشناس دستگاه خلافت بود - ایستاده بودم و در آن روز پدرم جلسه عمومی داشت و همه افراد را به حضور می پذیرفت. ناگهان نگهبانان خبر آوردند که ابو محمد، ابن الرضا دم در ایستاده است. پدرم با صدای بلند گفت: اجازه دهید وارد شود.

من از این گفت و گو شگفت زده شدم، زیرا تا آن لحظه ندیده بودم که در حضور پدرم جز خلیفه و ولیعهد وی، کس دیگری را با کتیه به او معرفی نمایند. سپس تازه جوانی گندمگون، خوش قامت، زیباروی و با اندامی موزون، با جلال و وقار ویژه وارد اتاق شد. پدرم با دیدن وی از جای برخاست و چند قدم به استقبالش رفت، با آنکه تا آن لحظه ندیده بودم که چنین رفتاری را با یک نفر هاشمی و یا یکی از فرماندهان لشکری نشان داده باشد. چون نزدیکش رسید، دست بر گردن او انداخته و از صورت و سینه اش بوسیده و دستش را گرفت و در روی تخت خود نشاند و خودش نیز پهلوی او نشست و با او به گفت و گوی صمیمانه پرداخت.

پدرم در ضمن صحبت به او «فدایت شوم» می گفت. از برخورد احترام آمیز پدرم با این جوان ناشناس هر لحظه بر حیرتم افزوده می شد. هنگام خداحافظی پدرم با احترام فوق العاده او را بدرقه کرده و او رفت.

احمد بن خاقان در ادامه می‌افزاید: بعد از رفتن او، من به غلامان پدرم گفتم: این چه کسی بود که او را در حضور پدرم با کنیه یاد کردید و پدرم با او این چنین رفتاری محترمانه داشت؟!

گفتند: او یکی از علویان است که به او حسن بن علی می‌گویند و به ابن الرضا معروف است. شگفتی من بیشتر شد. هنگام شب وقتی پدرم تنها شد، به او گفتم: پدر! این جوان که صبح او را دیدم چه کسی بود که نسبت به او چنین احترام نمودی و در گفت و گوی با او «فدایت شوم» می‌گفتی؟! و خودت و پدر و مادرت را فدایش می‌ساختی؟

گفت: «پسرم! او امام رافضیان است، او حسن بن علی است که به ابن الرضا معروف است.»

آنگاه پدرم بعد از اندکی سکوت در ادامه سخنانش چنین گفت: پسر جان! اگر حکومت از دست خلفاء بنی عباس بیرون رود، هیچ کس از بنی هاشم جز او سزاوار آن نیست و این به جهت فضیلت، پاکدامنی، زهد و پرهیزگاری و اخلاق شریف و شایستگی ذاتی اوست. اگر پدر او را دیده بودی، مردی بزرگوار، نجیب و شخصیت با فضیلتی را دیده بودی.»

با شنیدن این سخنان اندیشه و نگرانیم دو چندان شد و خشمم نسبت به پدر افزون گشت. به نظرم سخنان پدر اغراق آمیز می‌آمد و

بعد از آن دلم می‌خواست در مورد حسن بن علی پرس و جو کنم و پیرامون شخصیت وی کاوش و بررسی نمایم. از هیچ یک از بنی هاشم و سران سپاه و نویسندگان و قاضیان و فقیهان و دیگر افراد، درباره حسن بن علی سؤال نکردم مگر آنکه او را نزد آنان در نهایت بزرگی و ارجمندی یافتیم. مقام بلند و سخنان نیک و تقدم بر فامیل و سایر بزرگان، از جمله ویژگی‌هایی بود که من از زبان آنان در ستایش حسن بن علی شنیدم. بعد از این، ارزش و مقام وی در نظرم بزرگ آمد و فهمیدم که دوست و دشمن او را به نیکی یاد کرده و می‌ستایند.

احمد بن خاقان در ادامه سخنان خویش بعد از نقل ماجرای شهادت امام حسن عسکری علیه السلام می‌گوید: بعد از رحلت او، جعفر (برادر امام حسن عسکری علیه السلام) نزد پدرم آمد و گفت: «مقام و منصب برادرم را به من بده. من سالی بیست هزار دینار برایت می‌فرستم.» پدرم به او تندی کرده و گفت: ای احمق! سلطان به روی کسانی که به امامت پدر و برادرت معتقد بودند شمشیر کشید تا آن‌ها را از عقیده‌شان برگرداند و نتوانست این کار را عملی سازد (زیرا مردم از روی اخلاص و صمیمیت به آن‌ها معتقد بودند). پس اگر شیعیان، پدر و برادر تو را امام می‌دانند، نیازی به سلطان و غیر سلطان نداری که

منصب آن‌ها را به تو بدهند و اگر نزد شیعیان این منزلت را نداری، به وسیله ما بدان نخواهی رسید.

پدرم به خاطر این سخن جعفر، او را پست و کم عقل خواند، وی را بیرون کرد و تا زنده بود به او اجازه ورود نداد.<sup>۱</sup>

۲ - محمد بن اسماعیل می‌گوید: علی بن نارمش که دشمن‌ترین افراد نسبت به اولاد علی بن ابی طالب علیه السلام بود، موظف به زندانبانی امام حسن عسکری علیه السلام شد. به او دستور دادند که هر چه می‌توانی بر او سخت بگیر. حضرت عسکری علیه السلام بیش از یک روز نزد او نبود که احترام و بزرگداشت آن حضرت در نظر او به جایی رسید که در برابر امام عسکری علیه السلام چهره بر خاک می‌گذاشت و دیده از زمین بر نمی‌داشت. امام از نزد او خارج شد در حالی که بصیرت او به آن حضرت از همه بیشتر و ستایشش برای او از همه نیکوتر بود.<sup>۲</sup>

### گفتار پنجم: پرورش نیروی تفکر و تعقل در افراد

اسحاق کندی فیلسوف عراق بود. او به تألیف کتابی با موضوع تناقضات قرآن همت گماشت. او آن چنان با شور و علاقه مشغول تدوین این کتاب گردید که از مردم کناره گرفته و به تنهایی در خانه

۱. اصول کافی، کتاب الحجۃ، باب مولدابی محمد الحسن بن علی علیه السلام، حدیث ۱۰۱، الارشاد، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۰.

خویش به این کار مبادرت می‌ورزید، تا اینکه یکی از شاگردانش به محضر پیشوای یازدهم شرفیاب شد.

امام به او فرمود: «آیا در میان شما یک مرد رشید پیدا نمی‌شود که استاد شما را از این کارش منصرف سازد؟!» عرض کرد: ما از شاگردان او هستیم، چگونه می‌توانیم در این کار یا کارهای دیگر به او اعتراض کنیم؟!!

امام فرمود: «آیا آنچه بگوییم به او می‌رسانی؟» گفت: آری. فرمود: «نزد او برو با او انس بگیر و او را در کاری که می‌خواهد انجام دهد یاری نما، آنگاه بگو سؤالی دارم، آیا می‌توانم از شما پرسیم؟ به تو اجازه سؤال می‌دهد. بگو: اگر پدیدآورنده قرآن نزد تو آید، آیا احتمال می‌دهی که منظور او از گفتارش معانی دیگری غیر از آن باشد که پنداشته‌ای؟ خواهد گفت: امکان دارد. و او اگر به مطلبی توجه کند، می‌فهمد و درک می‌کند. هنگامی که جواب مثبت داد، بگو: از کجا اطمینان پیدا کرده‌ای که مراد و منظور عبارات قرآن همان است که تو می‌گویی؟ شاید گوینده قرآن منظوری غیر از آنچه تو به آن رسیده‌ای داشته باشد و تو الفاظ و عبارات را در غیر معانی و مراد متکلم آن به کار می‌بری؟!»

آن شخص نزد اسحاق کندی رفت و همان طوری که امام به او آموخته بود، با مهربانی تمام با او انس گرفت، سؤال خود را مطرح

کرد و او را به تفکر و اندیشیدن وادار نمود. اسحاق کندی از او خواست سؤال خود را تکرار کند، در این حال به فکر فرو رفت و این احتمال به نظر او ممکن آمده و قابل دقت بود، برای همین شاگردش را قسم داد که منشأ این پرسش را برای او بیان کند. او گفت: به ذهنم رسید و پرسیدم. استاد گفت: باور نمی کنم که به ذهن تو و امثال تو این پرسش خطور نماید، راستش را بگو، این سؤال را از کجا آموخته ای؟ شاگرد گفت: ابو محمد عسکری به من یاد داد. استاد گفت: آری، الآن حقیقت را بگفتی. چنین سؤالی جز از آن خاندان نمی تواند باشد. آنگاه نوشته های خود را در این زمینه در آتش سوزانید.

### گفتار ششم: ترویج فرهنگ صرفه جویی

برنامه ریزی صحیح در زندگی موجب رشد اقتصادی و از زیر ساخت های توسعه اجتماعی و بالندگی اقتصادی یک جامعه محسوب می شود. در سیره امام حسن عسکری علیه السلام در این رابطه نکات قابل توجهی وجود دارد و در ذیل نمونه ای از آن را می خوانیم:

محمد بن حمزه سروری می گوید: توسط ابو هاشم جعفری (که با هم دوست بودیم) نامه ای به محضر امام عسکری علیه السلام نوشته و

درخواست کردم که آن حضرت دعا کند تا خداوند متعال در زندگی من گشایشی ایجاد بفرماید. وقتی که جواب را توسط ابوهاشم دریافت کردم، آن حضرت نوشته بود:

«مَاتَ ابْنُ عَمِّكَ يَحْيَى بْنُ حَمْزَةَ وَخَلَفَ مِائَةَ آلْفٍ دِرْهَمٍ وَهِيَ وَارِدَةٌ عَلَيْكَ، فَاشْكُرِ اللَّهَ وَعَلَيْكَ بِالْاِقْتِصَادِ وَآيَاكَ وَالْاِسْرَافِ، فَإِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانَةِ؛

پسر عمویت یحیی بن حمزه از دنیا رفت و مبلغ صد هزار درهم ارث باقی گذاشت و این درهم‌ها بر تو وارد می‌شود (به ارث به تو می‌رسد) پس خدا را سپاس‌گذاری کن و بر تو باد به میانه روی، و از اسراف پرهیز که اسراف از رفتارهای شیطانی است.»

بعد از چند روزی، پیکری از شهر حران آمده و اسنادی را مربوط به دارایی پسر عمویم به من تحویل داد. من با خواندن نامه‌ای که بین آن اسناد وجود داشت، متوجه شدم که پسر عمویم یحیی بن حمزه دقیقاً همان روزی فوت کرده است که امام علیه السلام آن خبر را به من داد.

به این ترتیب از تنگدستی و فقر‌رهایی یافته و بعد از ادای حقوق الهی و احسان به برادرهای دینی‌ام، طبق دستور امام علیه السلام زندگی خود را بر اساس میانه روی تنظیم نموده و از اسراف و ولخرجی پرهیز نمودم و به این ترتیب زندگی‌ام سامان یافت در حالی که در گذشته فردی مبذّر و اسراف‌کار بودم.<sup>۱</sup>

۱. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۲۴.

### گفتار هفتم: تأکید بر اصل قرآنی تقیه

امام عسکری علیه السلام برای حفظ نهضت اسلامی و ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم السلام از روش‌های مختلفی استفاده می‌کرد. آن حضرت چون در عصر حاکمیت مستبدترین سلاطین عباسی زندگی می‌کرد و از خطرات بزرگ نسبت به مذهب شیعه و پیروان آن آگاه بود، همواره پیروان خود را به رعایت اصل قرآنی تقیه سفارش می‌نمود. آن حضرت طبق آیه تقیه که در سوره آل عمران بیان شده است:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقِيَّةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ الْمَصِيرُ»؛

«افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را به دوستی بگیرند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کنید و خداوند شما را از [عقوبت] خود بر حذر می‌دارد و بازگشت به سوی خداست.»، شیعیان را به تقیه توصیه نموده و به این ترتیب از جان شیعیان پاسداری و حفاظت می‌کرد. به روایتی در این زمینه توجه کنید:

حلبی (یکی از ارادتمندان امام عسکری علیه السلام) می‌گوید: در شهر سامرا در روزی که قرار بود امام حسن عسکری علیه السلام به بیرون از منزل تشریف بیاورد، به اتفاق عده‌ای از شیعیان برای ملاقات آن حضرت

در بیرون منزلش به انتظار ایستادیم. در آن حال نامه‌ای از امام علیه السلام دریافتیم که آن حضرت نوشته بود:

«لَا يَسْلِمَنَّ عَلَى أَحَدٍ وَلَا يُشِيرَ إِلَى بَيْدِهِ وَلَا يُؤْمَى فَإِنَّكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ»؛

کسی [در این موقعیت] به من سلام نکند و با دست خود به من اشاره ننماید و [حتی کوچک‌ترین] اشاره‌ای نکند، برای اینکه شما امنیت جانی ندارید.

### گفتار هشتم: تبیین جایگاه آل محمد علیهم السلام در جامعه

ابوهاشم می‌گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام تفسیر آیه زیر را پرسیدم:

«ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ»؛

«سپس این کتاب را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم، از میان آن‌ها عده‌ای بر خود ستم کردند و عده‌ای میانه‌رو بودند و گروهی به اذن خدا در نیکی‌ها پیشی گرفتند.»  
امام علیه السلام فرمود: هر سه دسته مربوط به آل محمد علیهم السلام می‌باشند. آنکه بر خود ظلم روا داشته، کسی است که اقرار به امام ننموده است و

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹.

۲. سوره‌ی فاطر آیه ۳۲.

مقتصد کسی است که عارف به مقام امام است و گروه سوم و اشخاصی که سبقت در گرفتن فیض و خیرات دارند، امامان معصوم علیهم السلام هستند.

ابو هاشم می گوید: من در فکر فرو رفتم که این چه عظمتی است که نصیب امامان معصوم علیهم السلام شده و مقداری هم اشک ریختم. امام عسکری علیه السلام نگاهی به من انداخته و فرمود: مقام ائمه بالاتر از آن است که تو در مورد عظمت شأن آل محمد صلی الله علیه و آله می اندیشی! شکر خدا را به جا آور که تو را از تمسک کنندگان به ریسمان ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله قرار داده است و روز قیامت؛ زمانی که سایر مردم با رهبرانیشان محشور می شوند، تو در ردیف پیروان آل محمد صلی الله علیه و آله بوده و با آنان محشور خواهی شد. تو بهترین راه را انتخاب نموده ای!

### گفتار نهم: اهتمام به دو اصل تولی و تبری

سیره عملی امام عسکری علیه السلام در صحنه های اجتماعی، نکات برجسته ای برای پیروان آن حضرت دارد. یکی از مهم ترین فرازهای سیره اجتماعی آن حضرت، توجه به دو اصل تولی و تبری می باشد. در موارد متعدد و مناسبت های به دست آمده، امام یازدهم علیه السلام شیعیان را به دوستی اهل بیت علیهم السلام و یزاری از دشمنان آنان ترغیب می نمود. به

عنوان مثال روزی علی بن عاصم کوفی که مردی نابینا بود به محضر امام شریفیاب شد. او ضمن گفت و گو با حضرت، ارادت خالصانه خویش را به خاندان نبوت اظهار نموده و گفت: من از یاری عملی شما ناتوانم و به غیر از ولایت و محبت شما و ییزاری از دشمنانتان و لعن به آنان در خلوت‌ها سرمایه‌ای ندارم، با این حال وضعیت من چگونه خواهد بود؟!

امام عسکری علیه السلام فرمود: پدرم از جدم رسول خدا روایت نمود که:   
 «مَنْ ضَعَفَ عَلَىٰ نُصْرَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ فِي خَلْوَانِهِ أَعْدَاءَنَا بَلَغَ اللَّهُ صَوْتَهُ إِلَىٰ جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ... فَإِذَا بَلَغَ صَوْتَهُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ اسْتَغْفَرُوا لَهُ وَاتَّقُوا عَلَيْهِ؛

هر کس توانایی یاری نمودن ما اهل بیت را نداشته باشد و در خلوت‌هایش به دشمنان ما لعنت بفرستد، خداوند صدای او را به همه فرشتگان می‌رساند... هنگامی که صدای او به فرشتگان برسد، آنان برای وی طلب آمرزش نموده و او را می‌ستایند.

امام علیه السلام در ادامه می‌فرماید: آن فرشتگان می‌گویند:   
 «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ عَبْدِكَ هَذَا الَّذِي بَدَّلَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ جُهْدَهُ وَلَوْ قَدَّرَ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ لَفَعَلَ؛

خدایا بر روح این بنده‌ات درود فرست که در یاری اولیائش تمام تلاش خود را انجام می‌دهد و اگر بیش از این توانایی داشت انجام می‌داد.» در این حال از طرف خدای سبحان ندا می‌آید که ای ملائکه

من! من دعای شما را در حق این بنده ام اجابت کردم و بر روح او درود فرستادم و در ردیف ارواح ابرار و از بهترین بندگان برگزیده خویش گردانیدم.<sup>۱</sup>

احمد بن مطهر می گوید: یکی از شیعیان به امام عسکری ؑ نامه نوشته و در مورد ارتباط با واقفیه<sup>۲</sup> سؤال کرد. آن حضرت در جواب نوشت: «آن‌ها را دوست نداشته باشید، به عیادت مریض‌های آنان نروید، در تشیع جنازه‌هایشان شرکت نکنید، بر مرده‌هایشان نماز نخوانید و در این مورد فرقی نمی‌کند که کسی امامت یکی از امامان معصوم را انکار کند یا اینکه فردی که دارای مقام امامت از طرف خدا نیست را جزء امامان معصوم بداند و یا (مانند مسیحیان) قائل به تثلیث باشد. بدانید که منکر آخرین امامان معصوم ؑ همانند انکار کننده امامان قبلی است و هر کس به تعداد امامان بیفزاید مثل کسی است که از امامان معصوم کم می‌کند.<sup>۳</sup>

### گفتار دهم: پاسخ به پرسش‌های روز

یکی از مهم‌ترین موارد در سیره اجتماعی امام عسکری ؑ پاسخ گویی به شبهه‌های فرهنگی و دینی جامعه بود.

۱. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۶ و ۳۱۷.

۲. واقفیه کسانی هستند که تا امام هفتم را قبول دارند و به امامان بعدی ایمان ندارند.

۳. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۸۵.

ابوهاشم جعفری می گوید: روزی ابوبکر فقهکی از امام یازدهم پرسید: چرا زن بینوا در ارث یک سهم و مرد دو سهم می برد. امام فرمود: «چون جهاد و پرداخت مخارج به عهده زن نیست و نیز پرداخت دیه قتل خطا بر عهده مردان است و بر زن چیزی نیست.»<sup>۱</sup>

ابوهاشم در ادامه می افزاید: من پیش خود گفتم که قبلاً شنیده بودم «ابن ابی العوجا» از امام صادق ع همین را پرسید و همین جواب را شنید. در این هنگام که از قلب من چنین سخنی خطور نمود، حضرت رو به من نموده و فرمود: «آری، این سؤال ابن ابی العوجاء است و وقتی سؤال همان است، پاسخ ما نیز همان خواهد بود. اول و آخر ما در علم و منزلت مساوی هستند و برای رسول خدا ص و امیر مؤمنان فضیلت و امتیازشان ثابت است.»<sup>۲</sup>

سفیان بن محمد می گوید: ضمن نامه ای از امام حسن ع پرسیدم: منظور از «ولیعجه» در آیه شانزدهم سوره توبه چیست؟ خداوند می فرماید:

«وَلَكُمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولَهُ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً»

۱. دیه قتل خطائی بر عهده عاقله از خویشاوندان قاتل است. عاقله، برادران، عموها، پسربرادر و پسر عمو و پدر و فرزند قاتل است.

۲. پیشوای یازدهم، ص ۲۴ و ۲۵.

«آن مجاهدان مخلصی که جز خدا و رسولش و مؤمنان کسی را محرم اسرار خود قرار ندادند.»

هنگام نوشتن نامه با خود فکر می کردم که منظور از «مؤمنین»، در این آیه کیانند؟

امام حسن علیه السلام چنین جواب نوشت: «ولیعجه، غیر امام حق است که به جای او نصب می شود؛ و اما اینکه در خاطرت گذشت مراد از «مؤمنین» در آیه چه کسانی هستند؟ بدان که مؤمنین امامان بر حقند، که از خدا برای مردم امان می گیرند و امان آن ها مورد قبول خداوند است.»<sup>۱</sup>

حسن بن ظریف می گوید: دو مسأله در ذهنم بود که تصمیم داشتم ضمن نامه ای از امام حسن عسکری علیه السلام بپرسم. یکی چگونگی داوری حضرت قائم (عج) پس از ظهور و دیگری در باره «تب ربع». پرسش دومی را فراموش کردم، تنها نخستین پرسش را نوشتم و جواب خواستم.

امام حسن عسکری علیه السلام در جواب نوشت: وقتی از قائم (عج) ظهور کند، بر اساس علم خود قضاوت می کند و شاهد نمی طلبد؛ مانند قضاوت داوود پیامبر علیه السلام. تو خواستی در مورد «تب ربع» نیز بررسی،

ولی فراموش کردی. آیه زیر را بر کاغذی بنویس و به آن که تب دارد بیاویز؛ به اذن خدا، ان شاء الله، سلامت خود را باز می‌یابد.

«یا نَارُ کُونِی بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَی اِبْرَاهِیمَ.

ای آتش، برای ابراهیم خلیل علیه السلام خنک و مایه سلامتی باش.<sup>۱</sup>  
همین دستور را انجام دادم و بیمار سلامتی خود را باز یافت.<sup>۲</sup>

### گفتار یازدهم: تشویق عالمان و دانشمندان راستین

حمایت ائمه اطهار علیهم السلام از دانشمندان راستین و متفکران متعهد، در گسترش فرهنگ غنی و مرفعی اهل بیت علیهم السلام نقش مهمی داشت.

امام عسکری علیه السلام با قدر دانی از چهره‌های فرهنگی شیعه، جرقه امید را در دل دانشوران و دانش دوستان پدید می‌آورد و آنان را برای تلاش هرچه بیشتر در راه گسترش فرهنگ شیعه امیدوارتر می‌ساخت.

ابوهاشم جعفری از یاران راستین امام عسکری علیه السلام و از نوادگان جعفر طیار علیه السلام می‌گوید: روزی کتاب «یوم و لیل» از تألیفات یونس بن عبدالرحمن را به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام عرضه کردم. حضرت آن را مطالعه نموده و پرسید: این کتاب تألیف کیست؟

۱. سوره‌ی انبیاء آیه ۶۹.

۲. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۲۶۴.

ملکی میانجی، محمد باقر، طرحی از سیمای عسکری علیه السلام، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۱۷.

مرداد ماه ۱۳۷۷، ص ۲۶.

گفتم: اين از آثار يونس بن عبدالرحمن از متسبين به آل يقطين است. امام ؑ فرمود: «أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ خداوند در مقابل هر حرف [كه در اين كتاب نوشته،] نوري براي او در قيامت عطا فرمايد.»

همچنين امام عسكري ؑ در نامه‌اي به علي بن بابويه قمي (از دانشمندان برجسته شيعة در قم) به نحو شايسته‌اي او را مي‌ستايد. در بخشي از آن نامه آمده است: اي بزرگ مرد و مورد اعتماد و فقيه شيعيان من، ابوالحسن علي بن حسين قمي! خداوند متعال تو را بر اموري كه مورد رضاي اوست موفق بگرداند و براي تو فرزندان صالح و شايسته عطا فرمايد. اي مرد دانشمند و مورد اطمينان من، ابالحسن! صبر كن و شيعة مرا به صبر فرمان ده، همانا زمين از آن خداست كه بندگانش را وارث آن مي‌سازد. و سرانجام نيكو براي پرهيزگاران است و سلام و رحمت خدا و بركات او بر تو و بر همه شيعيانم باد. آ

١. رجال نجاشي، ص ٤٤٧.

٢. انوار البهيبة، ص ٢٢٠؛ بهجة الآمال، ج ٥، ص ٤١٩.

تبريزي، عبدالكريم، سيري در سيرة فردى و اجتماعى امام حسن عسكري ؑ، نشرية مبلغان، شماره ٣٠، ربيع الثانى ماه ١٤٢٣، ص ١٥.

### گفتار دوازدهم: تو غیب به خدمت رسانی

ابوهاشم می گوید: روزی در محضر امام عسکری علیه السلام بودم، آن حضرت فرمود: «یکی از درهای بهشت، «بابُ المعروف» است. از آن در کسی داخل بهشت نمی شود مگر اینکه در دنیا کارهای نیک انجام داده و به مردم کمک و خدمت نماید.»

تا این را از حضرت شنیدم، خدا را سپاس گفتم و بسی خشنود گردیدم؛ زیرا یکی از برنامه های زندگی من، خدمت رسانی به مردم و رفع نیاز پا برهنگان و محرومان بود. تا این مطلب در دلم گذشت، حضرت به من نگاه کرد و فرمود:

«بله، کسانی که در این جهان به مردم کمک می کنند، در جهان دیگر نیز سر بلند و جایگاه آنان برجسته است. ای ابوهاشم! خدا تو را از این گروه قرار دهد، خدای تو را رحمت کند.»

### گفتار سیزدهم: رهبری مبارزات سوری

پیشوای یازدهم علی رغم فشارهای شدید سیاسی و با وجود حضور اجباری در مناطق نظامی و تحت کنترل، با تیز بینی خاصی با دوستان و شیعیان خویش ارتباطی عمیق ایجاد کرده بود.

۱. انوارالبهیه، شیخ عباس قمی، ص ۱۵۴.

ربانی سزواری، ابوالحسن، امام عسکری علیه السلام غماد فضیلتها، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۶۰،

اسفندماه ۱۳۸۱، ص ۵۱.

به عنوان نمونه: امام حسن عسکری علیه السلام در یکی از روزها داوود بن اسود را فرا خوانده و چوبی گرد و دراز به اندازه کف دست در اختیارش گذاشت و دستور داد که آن را به عثمان بن سعید عُمَری از افراد مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام و اولین نائب خاص حضرت مهدی علیه السلام برساند.

او می گوید: به قصد اجرای فرمان حضرت عسکری علیه السلام به راه افتادم. در راه با سقایی روبه رو شدم که استرش راه را سد کرده بود. من آن چوب را به هدف راندن استر بالا برده و به حیوان زدم. ناگهان چوب شکسته و شکاف برداشت، چون چشمم به قسمت شکافته چوب افتاد نامه هایی را دیدم که در داخل آن جاسازی شده بود. با عجله چوب را در آستینم پنهان کردم. در این حال مرد سقا شروع کرد به داد و فریاد کردن، به من و سرورم دشنام می داد. بعد از انجام مأمریت، به خانه امام علیه السلام باز گشتم. عیسی از خدمتگزاران آن حضرت به نزد آمد و گفت: مولای تو می گوید: «چرا استر را زدی و چوب را شکستی؟! دیگر کاری نکن که نیازی به عذر خواهی داشته باشد و از تکرار خطای خود خودداری نما. اگر شنیدی کسی به ما دشنام می دهد اعتنا نکن و از معرفی خود پرهیز کن، چون ما در سرزمینی بد

زندگی می‌کنیم. پس راه خود را برو و بدان که اخبار و احوال تو به ما می‌رسد.<sup>۱</sup>

### گفتار چهاردهم: نجات جامعه از بحران‌های سرنوشت‌ساز

در سامرا قحطی سختی پیش آمد، معتمد خلیفه وقت فرمان داد مردم به نماز استسقاء (طلب باران) بروند، مردم سه روز پی در پی برای نماز به مصلی رفتند و دست به دعا برداشتند ولی باران نیامد، روز چهارم جاثلیق (پیشوای اسقفان مسیحی) همراه مسیحیان و راهبان به صحرا رفت، یکی از راهبان هر وقت دست به سوی آسمان بلند می‌کرد بارانی درشت فرو می‌بارید. روز بعد جاثلیق همان کار را کرد و آن قدر باران آمد که مردم دیگر تقاضای باران نداشتند؛ همین موجب شگفتی و نیز شک و تردید و تمایل به مسیحیت در میان بسیاری از مسلمانان شد و جامعه اسلامی در آستانه یک بحران سرنوشت‌ساز و خطرناک قرار گرفت.

این وضع بر خلیفه ناگوار بود، پس به دنبال امام عسکری علیه السلام فرستاد و آن گرامی را از زندان آوردند. خلیفه به امام عرض کرد: امت جدّت را دریاب که گمراه شده‌اند!

۱. المناقب، ج ۴، ص ۴۲۷ و ۴۲۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۱۴.

امام فرمود: از جاثلیق بخواه که فردا سه شنبه به صحرا بروند. خلیفه گفت: مردم باران نمی خواهند بنابراین به صحرا رفتن چه فایده‌ای دارد؟ امام فرمود: برای آنکه انشاءالله شیک و شبهه را برطرف سازم. خلیفه فرمان داد و پیشوای اسقفان همراه راهبان سه‌شنبه به صحرا رفتند. امام نیز در میان جمعیت عظیمی از مردم به صحرا آمدند. آنگاه مسیحیان و راهبان برای طلب باران دست به سوی آسمان برداشتند، آسمان ابری شد و باران آمد. امام فرمان داد دست راهب معینی را بگیرند و آنچه در میان انگشتان اوست بیرون آورند. در میان انگشتان او استخوان سیاه فامی از استخوان‌های آدمی یافتند، امام استخوان را گرفت و در پارچه‌ای پیچید و به راهب فرمود: اینک طلب باران کن. راهب این بار هم دست به آسمان برداشت اما ابر کنار رفت و خورشید نمودار شد. مردم شگفت زده شدند. خلیفه از امام پرسید: این استخوان چیست؟ امام فرمود: این استخوان پیامبری از پیامبران الهی است که از قبور برخی از پیامبران برداشته‌اند و استخوان پیامبری ظاهر نمی‌شود جز آنکه باران می‌آید. امام را تحسین کردند و استخوان را آزمودند دیدند همان‌طور است که امام می‌فرماید.<sup>۱</sup>

۱. پیشوای یازدهم، ص ۲۲، به نقل از احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۴۶۴.

تبریزی، عبدالکریم، سیری در سیره فردی و اجتماعی امام حسن عسکری، نشریه

مبلغان، شماره ۳۰، ربیع الثانی ماه ۱۴۲۳، ص ۱۵.

## مبحث ششم: رهنمودهای تربیتی اجتماعی امام حسن

### عسکری علیه السلام

از آنجا که «امام»، در واقع پیشوا و مقتدای انسان‌هاست و وظیفه هدایت و ارشاد را به عهده دارد و باید معارف اصیل و ناب الهی را بر مردم بشناساند، امام عسکری علیه السلام نیز این امر مهم را، با توجه به شرایط ویژه و محدودیت‌های موجود، به بهترین نحو به انجام رسانید.

از آن حضرت علاوه بر روایات فقهی، روایات زیادی باقی مانده است که مشتمل بر مباحث اعتقادی و اخلاقی می‌باشد، در اینجا به بعضی از آن‌ها که جنبه تربیتی و اجتماعی دارد اشاره می‌نمایم:

### گفتار اول: ویژگی‌های شیعه

حضرت به شیعیانش می‌فرماید:

«أوصيكم بتقوى الله، والورع في دينكم، والاجتهاد لله، وصدق الحديث، وإداء الأمانة إلى من ائتمنكم من برّ أو فاجر، وطول السجود، وحسن الجوار، فهذا جاء محمد صلى الله عليه وآله صلّوا في عشائركم واشهدوا جنائزهم، وعودوا مرضاهم وأدّوا حقوقهم»<sup>۱</sup>

شما را سفارش می‌کنم به تقوای الهی و پارسایی در دین خود و کوشش در راه خدا و راست‌گویی و اینکه امانت هر کسی را که به

۱. تحف العقول، حرّانی، ص ۳۶۲، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.

شما امانتی سپرده است، به او بازگردانید چه آن شخص، نیکوکار باشد یا تبهکار. و سجده‌ها را طولانی کنید و (برای همسایگان خود) همسایگان خوبی باشید (که محمد ﷺ این چیزها را آورده است) و در قبیله‌های آنان (اهل سنت) نماز گزارید، در تشییع جنازه‌های شان حاضر شوید و مریضان آنان را عیادت و حقوقشان را ادا کنید.»

سپس در توضیح می‌فرماید:

«فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَآدَى الْأَمَانَةَ وَحَسَنَ خَلْقَهُ مَعَ النَّاسِ، قِيلَ هَذَا شَيْعِي فَيَسْرَنِي ذَلِكَ. اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا، جَرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ، وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ!»

اگر کسی از شما در دینش ورع داشته و راست گو باشد و ادای امانت کند و با مردم خوش رفتار باشد، می‌گویند: «این، یک شیعه است.» و همین مسأله، من را شادمان می‌کند. از خدا بترسید و تقوای الهی را پیشه خود سازید (و با اعمالتان) زیور و زینت برای ما باشید و مایه زشتی (و بد نامی) ما نباشید. هرگونه دوستی را برای ما جلب کنید و هر بدی را از ما دور سازید. زیرا هر خوبی که در حق ما گفته شود، سزاوار آنیم و هر بدی که در حق ما گفته شود، شایسته آن نیستیم.»

و در انتها می‌فرماید:

«اكثروا ذكر الله و ذكر الموت و تلاوة القرآن و الصلوة على النبي ﷺ...»<sup>۱</sup>

بسیار خدا را به یاد داشته باشید و نیز یاد مرگ را. زیاد قرآن تلاوت کنید و بر رسول الله ﷺ صلوات بفرستید. چه اینکه این‌ها اموری هستند که طبعاً موجب رعایت توصیه‌های فوق می‌شود.

همچنین می‌فرماید:

«اورع الناس من وقف عند الشبهة، اعبد الناس من اقام على الفرائض، ازهد

الناس من ترك الحرام؛ اشد الناس اجتهاداً من ترك الذنوب»<sup>۲</sup>

پارساترین مردم کسی است که در شبهات، درنگ کند، عابدترین مردم کسی است که واجبات الهی را انجام دهد، زاهدترین مردم کسی است که از کارهای حرام پرهیزد و کوشاترین مردم کسی است که گناهان را ترک کند.

### گفتار دوم: ارزش تفکر

«ليست العبادة كثرة الصيام والصلوة، وإنما العبادة كثرة التفكر في امر الله»<sup>۳</sup>

عبادت به زیاد روزه گرفتن و نماز خواندن نیست؛ بلکه عبادت این است که در امر (مخلوقات) خداوند بسیار تفکر شود.

۱. تحف العقول، حرانی، ص ۳۶۲، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۲. تحف العقول، حرانی، ص ۳۶۳.

۳. تحف العقول، حرانی، ص ۳۶۲.

و چه دقیق فرموده است! چه اینکه اگر آدمی در خلقت الهی و اینکه از کجا آمده، چرا آمده است، به کجا می رود و ...؟ تفکر کند، طبعاً به شناخت خداوند نزدیک تر می شود و در راستای همان تفکر، به وظایف بندگی خود عمل می کند.

### گفتار سوم: جایگاه مؤمن

«المؤمن بركة على المؤمن و حجة على الكافر»<sup>۱</sup>

مؤمن برای مؤمن، برکت است و برای کافر، اتمام حجت.

«ما اقبیح بالمؤمن أن تكون له رغبة تذله»<sup>۲</sup>

چقدر زشت است برای مؤمن که دلبستگی به چیزی داشته باشد که موجب خواری و ذلت او شود.

### گفتار چهارم: بهترین ویژگی ها

«خلصتان ليس فوقهما شيء: الايمان بالله و نفع الأخوان»<sup>۳</sup>

چیزی بالاتر از دو خصلت ایمان به خداوند و رساندن سود به برادران نیست.

۱. تحف العقول، حرّانی، ص ۳۶۳.

۲. تحف العقول، حرّانی، ص ۳۶۴.

۳. تحف العقول، حرّانی، ص ۳۶۳.

حضرت یاری به برادران را چون ایمان به خداوند، جزء بهترین صفات پسندیده می‌شمارد.

### گفتار پنجم: بهترین حد و اندازه

«إِنَّ لِلْإِسْخَاءِ مَقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرَفٌ، وَإِنَّ لِلْحَزْمِ مَقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ جُبْنٌ، وَ لِلْإِقْتِصَادِ مَقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ بُخْلٌ وَ لِلشَّجَاعَةِ مَقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ تَهَوُّرٌ؛

سخاوت و بخشندگی اندازه‌ای دارد، اگر از آن بیشتر شود، اسراف است. حزم و دوراندیشی نیز حدی دارد، اگر بیش از آن شود، ترس است. میانه روی در خرج هم اندازه‌ای دارد، اگر افراط شود، بخل است. شجاعت نیز اندازه‌ای دارد، اگر آن از بیشتر شود، تهوّر و بی‌باکی است.»<sup>۱</sup>

### گفتار ششم: بیان شرک

آن حضرت در مورد این که «شرک» از حساسیت و دقت ویژه‌ای برخوردار است، چنین گوشزد می‌کند:

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۷.

۲. محدثی، جواد (ناقد و توصیف کننده)، فرهنگ جامع سخنان امام عسکری (ع)، نشریه

فرهنگ کوثر، شماره ۶۰، اسفند ماه ۱۳۸۱، ص ۹۶.

«الاشراك في الناس، أخفى من ديب النمل على المسح<sup>۱</sup> الأسود في الليلة المظلمة<sup>۲</sup>؛

شرک ورزیدن در میان مردم، از حرکت مورچه (که بسیار آرام و نامحسوس است) در شب تاریک بر روپوش سیاه، نهان تر است.»

### گفتار هفتم: جایگاه تواضع

تواضع و فروتنی، از صفات پسندیده‌ای است که هر انسانی، حُسن آن را درک می‌کند. تعبیر امام<sup>۳</sup> در مورد این صفت پسندیده چنین است:

«التواضع نعمة لا يحسد عليه<sup>۴</sup>؛

تواضع، نعمتی است که کسی بر آن رشک نمی‌ورزد. آن حضرت در تبیین جایگاه تواضع در فرهنگ اسلامی و ترغیب به آن می‌فرماید:

«من تواضع في الدنيا لإخوانه فهو عند الله من الصديقين و من شيعة علي بن ابي طالب<sup>۵</sup> بحقاً؛

۱. نوعی پوشش است. رك: مجمع البحرين، ج ۲، ص ۴۱۴.

۲. تحف العقول، ص ۳۶۱؛ كشف الغمّة، ص ۴۲۰.

۳. تحف العقول، ص ۳۶۳.

۴. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۷. کتابفروشی مصطفوی.

کسی که در دنیا نسبت به برادرانش متواضع باشد، نزد خداوند از صدیقین به شمار می‌رود و او از شیعیان واقعی علی بن ابیطالب<sup>۱</sup> است.

همچنین درباره بعضی از مصادیق تواضع، می‌فرماید:  
 «مِنَ التَّوَّاضِعِ، السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرَّ بِهِ وَ الْجُلُوسُ دُونَ شَرَفِ الْمَجْلِسِ<sup>۲</sup>؛  
 سلام کردن بر هر کسی که از پیش او می‌گذری و نشستن در جایی  
 که بالای مجلس نیست، از تواضع و فروتنی است.»

### گفتار هشتم: ناهنجاری‌های اخلاقی

در میان آنچه که از حضرت به ما رسیده، احادیثی وجود دارد  
 که در آن‌ها به امراض روحی و اجتماعی مردم اشاره شده است.  
 امام عسکری<sup>۳</sup> شخص دورو را چنین وصف می‌کند:  
 «بِئْسَ الْعَبْدُ، عَبْدٌ يَكُونُ ذَاوِجْهَيْنِ وَ ذَالِسَانَيْنِ، يَطْرُقُ اخَاهُ شَاهِدًا وَ يَأْكُلُهُ  
 غَائِبًا، اِنْ اَعْطِيَ حَسَدَهُ، وَ اِنْ اِبْتُلِيَ خَانَهُ<sup>۴</sup>؛

چه بد بنده‌ای است، آن بنده (خدا) که دورو و دو زبان است! در  
 حضور برادرش، او را می‌ستاید و پشت سر او غیبت و بدگویی<sup>۵</sup> او را

۱. تحف العقول، ص ۳۶۲.

۲. تحف العقول، ص ۳۶۲.

۳. «يَأْكُلُهُ غَائِبًا» کنایه از غیبت است، چنانکه در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است.

می کند. اگر مورد عطا واقع شود، به او حسد می ورزد و اگر برای او گرفتاری پیش آید، به او خیانت کند.»

آن حضرت، شخص دورو را تقبیح نموده و مصداق آن را توضیح می دهد و حالات شخص دورو و دو زبان را با دقت و ظرافت بیان می کند. و لذا فطرت سالم آدمی بعد از آگاهی از این حالات، از دورویی بیزار خواهد بود.

حضرت، وضعیت شخص کینه توز را چنین بیان می کند:

«قُلْ الْإِنْسَانُ رَاحَةٌ، الْحَقُّودُ»<sup>۱</sup>

شخص کینه توز، کم آسایش ترین مردم است.»

اگر نگاهی گذرا به وضعیت روحی اشخاص کینه توز داشته باشیم، به این واقعیت پی می بریم که چنین افرادی همیشه در یک اضطراب روحی قرار دارند و از عدم آرامش و آسایش روحی رنج می برند. آنان از روحی سالم و متعادل برخوردار نیستند. و تنها راه رهایی از این رنج و محنت، به فرموده «قرآن و عترت»، گذشت و چشم پوشی از رفتار دیگران است.

امام عسکری ع خشم و غضب، را کلید هر بدی می داند:

«الغضب مفتاح کل شر»<sup>۲</sup>.

۱. تحف العقول، ص ۳۶۳.

۲. تحف العقول، ص ۳۶۲.

منشأ بسیاری از گناهان، غضب می‌باشد و اصولاً خشم با خوش‌رویی و حُسن خلق، در تعارض است. آن حضرت، با این بیان، ریشه و منشأ بدی‌ها را به ما معرفی می‌کند، تا ما برای درمان بدی‌ها، در فکر راه حلّ اساسی باشیم و علاوه بر توجّه به هر يك از بدی‌ها و پرهیز از آن‌ها، آن‌ها را ریشه‌یابی کنیم.

آن حضرت، شادمانی کردن نزد شخص محزون و غمناک را، بی ادبی تلقّی می‌کند:

«ليس من الأدب، اظهار الفرح عند المحزون»<sup>۱</sup>.

این‌ها، نکاتی هستند که در روابط اجتماعی ما با دیگران، بسیار مؤثر می‌باشد و مراعات نمودن آن‌ها تأثیر شگرفی در همدلی، ایجاد محبّت و حفظ دوستی‌ها دارد.<sup>۲</sup> این مباحث اساس مسائل تربیتی یک اجتماع را تشکیل می‌دهد.

۱. تحف العقول، ص ۳۶۳.

۲. مطهری محب، حسین، رهنمودهای تربیتی امام عسکری (ع)، نشریه فرهنگ کوثر،

شماره ۶۰، اسفند ماه ۱۳۸۱، ص ۲۵.

## فصل دوم:

### ستاره‌ای در شبِ تاریکِ پیش از غیبت

## مقدمه

یکی از راه‌های پی بردن به شخصیت واقعی انسان‌ها، آگاهی از زمان آن‌هاست. با توجه بدین حقیقت، بر آنیم تا نگاهی گذرا به عصر امام عسکری علیه السلام بیفکنیم تا بخشی از عظمت شخصیت تابناک آن امام معصوم را دریابیم و به شیوه‌های مبارزات ایشان با طاغوتیان عصرشان آشنایی پیدا کنیم.

## مبحث اول: روزگار ظلم و خفقان

بنی عباس، که پس از بنی امیه با زور و تزویر به حکومت دست یافتند، برای مردم چیزی جز وحشت، اختناق و ستم به ارمغان نیاوردند. آن‌ها جنگیدند، غارت کردند و مردم را در بیچارگی، فقر و اندوه فرو بردند. امویان کافران و آشکارا به اسلام ضربه می‌زدند، ولی عباسیان منافقانه و پنهانی. فرزندان عباس در پی آن بودند که با رنگ دین به نظام سیاسی خویش تقدس بخشند، اما تفکر اهل بیت سده‌ی استوار در برابر هواهای نفسانی‌شان پدید آورده بود.

آن‌ها در ظاهر خویش را جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی می‌کردند، با عوام‌فریبی به نام دین از مردم بهره می‌کشیدند و اهداف

خود را پیش می‌بردند. ستمگران بنی‌عباس، در سایه زور و تزویر، از کیسه بیت‌المال کاخ‌های باشکوه می‌ساختند، مأموران و چاپلوسان را ثروتمند می‌ساختند و بی‌خبر از وضعیت دشوار زندگی مردم به خوش گذرانی می‌پرداختند. فاصله طبقات فقیر و غنی هر روز بیشتر می‌شد. و سرنیزه‌های حکومت برای خاموش ساختن فریاد اعتراض مردم تیزتر.

بنی‌عباس با شعار حمایت از اهل بیت علیهم‌السلام و احقاق حق آنان و با استفاده از شرایط خاص موجود، به قدرت رسیدند و در این راستا خون‌های زیادی به زمین ریخته شد. ابو مسلم خراسانی در راه استقرار حکومت عباسیان، تعداد زیادی از مردم را کشت و طبق گفته بعضی مورخان این تعداد، بالغ بر ششصد هزار نفر بوده است.<sup>۱</sup>

آنان که با این شعار، به حکومت رسیدند، وقتی به هدف خود نائل شدند، از هیچ جنایتی نسبت به ائمه علیهم‌السلام و شیعیان فروگذار نکردند. طبعاً شهادت امامان علیهم‌السلام از زمانی که بنی‌عباس در مصدر امور بودند، به دست آنان بوده و علویان هم در فشارهای شدیدی قرار داشتند و شرایط امام عسکری علیه‌السلام هم از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. بنی‌عباس به خاطر ترس از آن حضرت و علویان، ایشان را در تنگناهای

۱. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۵، ص ۴۷۶؛ وفیات الاعیان، ابن خلکان، ج ۳،

مختلفی قرار داده بودند؛ از جمله سکونت اجباری آن حضرت در شهر سامرا و منطقه نظامی (عسکر). لذا به وی و پدرش امام هادی علیه السلام «عسکرین» می گویند.<sup>۱</sup>

امام عسکری علیه السلام از دوران کودکی شاهد اهانت های متوکل عباسی به اهل بیت عصمت علیهم السلام، به ویژه پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام، بود. او می دید دشمن زیارت جدش امام حسین علیه السلام را ممنوع و حتی مزار مقدسش را با خاک یکسان کرده است.

متوکل به خاطر احساس ترس از گرایش مردم به اهل بیت علیهم السلام فرمان داد امام هادی علیه السلام و خاندانش را دستگیر و از مدینه به سامرا منتقل کنند.

امام عسکری علیه السلام یورش های ناجوانمردانه و دور از ادب مأموران حکومت به خانه پدرش را مشاهده کرد و سرانجام در شهادت مظلومانه پدر ارجمندش به سوگ نشست.

از سویی دیگر، امام ناگزیر بود روزهای دوشنبه و پنج شنبه در کاخ و دربار عباسی حاضر شود.<sup>۲</sup>

این محدودیت، شامل اصحاب و شیعیان حضرت هم می شد. این، سیمایی است از وضعیت حاکم بر زندگی امام و شیعیان در

۱. ر.ک: علل الشرایع، صدوق، ج ۱، باب ۱۷۶، ص ۲۸۲، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۲. مناقب آل ائمه اطهار علیهم السلام، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۶۶؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۵۱.

زمانی که جان امام و دوستان او حتی با سلام کردن یا اشاره به امام، در خطر بوده است. لذا ارتباط هر يك با دیگری باید به صورت غیر علنی ایجاد می شد.<sup>۱</sup>

### مبحث دوم: خلفای دوران امام و ظلم آن ها

خلفایی که هم زمان با حضرت عسکری علیه السلام قدرت را در دست داشتند، عبارتند از:

۱. متوکل بیش از چهارده سال؛ (۲۳۲ - ۲۴۷)
  ۲. منتصر (فرزند متوکل) ۹ ماه؛ (۲۴۷ - ۲۴۸)
  ۳. مستعین (فرزند متوکل) سه سال و اندی؛ (۲۴۸ - ۲۵۲)
  ۴. معز (فرزند متوکل) حدود چهار سال؛ (۲۵۲ - ۲۵۵)
  ۵. مهتدی ۱۱ ماه؛ (۲۵۵ - ۲۵۶)
  ۶. معتمد (فرزند متوکل) ۲۳ سال؛ (۲۵۶ - ۲۷۹)<sup>۲</sup>
- در زمان این جنایتکاران مظلومیت شیعه فزونی یافت و بسیاری از شیعیان به طرز فجیعی به شهادت رسیدند. شدت ستم چنان بود که خود کامگان گاه پیکرهای پاک شهیدان را نیز آماج بی حرمتی های

۱. مطهری محب، حسین، رهنمودهای تربیتی امام عسکری علیه السلام، نشریه فرهنگ کوثر،

شماره ۶۰، اسفند ماه ۱۳۸۱، ص ۲۵.

۲. مروج الذهب، مسعودی، ج ۴.

خود قرار می‌دادند. در این زمان کانون تفکرات ناب شیعی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نیز پیوسته مورد آزار و اهانت قرار می‌گرفت. هر چند آن بزرگوار نیز چون پدر گران قدرش به فرمود: [دوراه بیشتر نیست] یا کتمان یا مرگ؛ پس خود را حفظ کنید.

رعایت احتیاط و تقیه پای می‌فشرد؛ ولی شمار جاسوسان به اندازه‌ای بود که گاه مراعات همه جوانب احتیاط نیز سودمند واقع نمی‌شد. سبب اصلی این فشارها و سختگیری‌ها علاقه شدید مردم به اهل بیت علیهم السلام و نیز روایت‌های متواتر در باره قائم بودن فرزند امام عسکری علیه السلام بود.

دوران امامت امام حسن عسکری علیه السلام، معاصر سه تن از خلفای عباسی بود؛ معتز، مهتدی و معتمد. گرچه اقامت اجباری امام در سامرا، خود به نوعی حبس می‌باشد، اخباری وجود دارد که آن حضرت در دوران هر يك از این خلفا، مدت زمانی را در زندان به سر برده است<sup>۱</sup>

در زمان خلافت مهتدی (که در تاریخ، از عملکرد معتدل وی سخن به میان آمده و از روش حکومتی‌اش تعریف شده است)<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۴ - ۳۱۱.

۲. ر.ک: مروج الذهب، مسعودی، ج ۴، ص ۱۹۵؛ الکامل فی التّاریخ، ج ۷، ص ۲۴۵ و

مدتی، امام در زندان وی به سر برده است و حتی او، تصمیم بر به شهادت رساندن آن حضرت داشته که مرگ وی، به او اجازه چنین کاری را نمی‌دهد.<sup>۱</sup>

پس از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که سال‌های بسیار در سیاه چاله‌ای هارون به سر برد، چنان می‌نماید که امام دیگری جز امام حسن عسکری علیه السلام به این سرنوشت دچار نشد. امام عسکری علیه السلام از سال ۲۵۴ تا ۲۶۰ سخت‌ترین روزهای زندگی‌اش را زیر نظر سه خلیفه غاصب (معتز و مهتدی و معتمد) گذراند. آنان هرگز به زندان بسنده نکردند؛ بلکه بارها اندیشه پلید از میان بردن حضرت در سر پروراندند و در پرتو قدرت الهی که با خلع از خلافت، قتل و یا دیگر مشکلات روبرو شدند.

### گفتار اول: امام عسکری علیه السلام و معتز عباسی

معتز عباسی، پس از تصدی خلافت، روش اسلافش را پیش گرفت، امام عسکری را شدیداً زیر نظر قرار داد، چند بار روانه زندان ساخت و او را به دست جنایتکاری به نام صالح بن و صیف سپرد. صالح بن و صیف، که از دشمنان اهل بیت بود، فرصت را غنیمت

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۳.

مطهری محب، حسین، رهنمودهای تربیتی امام عسکری علیه السلام، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۶۰،

اسفند ماه ۱۳۸۱، ص ۲۵.

شمرده، افرادی پست‌تر از خود را در زندان بر امام گماشت تا در طول شبانه‌روز حضرت را آزار دهند.

به گفته برخی از مورخان، معتز امام را به دست علی بن اوتامش، که از دشمنان سرسخت اهل بیت بود، سپرد. علی به شدت تحت تأثیر واقع و از دوستان صمیمی اهل بیت شد.

فشارهای سخت و گوناگون بر امام، معتز عباسی را قانع نساخت. او سرانجام به سعید حاجب دستور داد امام را به طرف کوفه برده، در راه به قتل برساند.<sup>۱</sup> حضرت به درگاه پروردگار شکایت برد و معتز را نفرین کرد. سه روز بعد، در اثر دعای امام عسکری، معتز به بدترین وضع کشته شد.<sup>۲</sup>

### گفتار دوم: امام عسکری علیه السلام و مهتدی عباسی

هنوز امام عسکری از ستم معتز کاملاً رهایی نیافته بود، که به ستم مهتدی عباسی گرفتار شد. هر چند این فرد به زهد شهره بود! ولی خلافت چنان دگرگونش ساخت که یکباره کمر به نابودی علویان، به ویژه امام عسکری، بست. ابوهاشم می‌گوید: با امام عسکری در زندان مهتدی بودیم که فرمود: ای ابوهاشم، این سرکش اراده کرده بود

۱. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۱.

۲. البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۱۶.

۳. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۷، ص ۲۳۳.

امشب با سرنوشت اولیای خدا بازی کند، ولی خداوند عمرش را قطع و کوتاه کرد... بامداد ترک‌ها بر مهدی شوریدند و او را به قتل رساندند.<sup>۱</sup>

از پاسخ نامه امام علیه السلام به احمد بن محمد چنان برمی آید که مهدی همواره در فکر کشتن امام بوده است. حضرت می نویسد:

«ذلك اقصر لعمره عد من يومك هذا خمسة ايام و يقتل في اليوم السادس بعد هوان و استخفاف يمر به فكان كما قال.»<sup>۲</sup>

عمر او کوتاه‌تر از آن است که فکر می کند. از امروز تا پنج روز به شمار. در روز ششم با خواری کشته خواهد شد. پس آنچه امام فرموده بود، واقع شد.

### گفتار سوم: امام عسکری علیه السلام و معتمد عباسی

احمد بن جعفر بن متوکل، مشهور به معتمد عباسی در سال دویست و پنجاه و شش هجری<sup>۳</sup> بر مسند خلافت نشست. او، بدون در نظر گرفتن سوابق امام و بدون عبرت گرفتن از سرنوشت شوم معنز و مهدی، امام را بیش از گذشته، تحت فشار قرار داد. این بار پیشوای یازدهم به دست یحیی بن قتیبه سپرده شد.

۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۳۴.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۱۰.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۷.

اما اینکه چرا خلفا در پس آزار امام علیه السلام بودند؟  
 بررسی دقیق و عمیق این امر فرصتی فزونتر می طلبد، ولی در  
 لابه لای گفتار امام پاسخ اجمالی این پرسش به چشم می خورد.  
 حضرت پس از ولادت فرزندش حجة بن الحسن (عج) فرمود:  
 ستمگران گمان بردند مرا می کشند تا این نسل را قطع کنند.<sup>۱</sup>  
 این جمله کوتاه نشان می دهد که دشمن در پی پیشگیری از  
 ولادت امام دوازدهم حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام بود؛ ولی سرانجام  
 قدرت خدا آشکار شد و موعود الهی علی رغم همه محدودیتها به  
 عرصه گیتی گام نهاد.<sup>۲</sup>

### مبحث سوم: خلفاء و علل دشمنی آنها با امام عسکری علیه السلام

- دشمنی بنی عباس با امام علیه السلام در سه محور کلی قابل بررسی است:
۱. عزت نفس، آزاد اندیشی، مسئولیت پذیری و مبارزه خستگی  
 ناپذیر امام حسن عسکری علیه السلام بر ضد خلفای ستمگر.
  ۲. دشمنی دیرینه بنی عباس با علویان.

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲. طبسی، محمد جواد، امام عسکری و زمامداران معاصر، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۱۶.

تیر ماه ۱۳۷۷، ص ۲۳.

عباسيان كسانى بودند كه با شعار «الرضاء من آل محمدؐ» حمايت مردم را به خود جلب كرده و بر اريكه قدرت تكيه زدند. بزرگ ترين دست آويز آنان نيز در مدت شصت سال تلاش و تبليغ، بهره گيرى از خون پاك سرور شهيدان، حضرت امام حسينؑ بود. آنان به خوبى مى دانستند كه وارثان حقيقى خلافت رسول خداؐ «امامان شيعه» مى باشند. از اين رو، علويان را همواره يگانه رقيب خويش در حكومت مى شمردند و تمام سعى خود را در نابودى آنها به كار مى گرفتند. زندان هاى خود را از مردان و زنان علوى پر ساخته و حتى بزم عياشى خود را در كاخ هاى مى چيدند كه ديوارهاى آن، مدفن جوانان علوى بود و در زير سنگ فرش هاى ايوان و تالارهاى آن، صدها جوان زيباى علوى زنده به گور شده بودند.

خلفا و كارگزاران بنى عباس تمام دارائى علويان را گرفته بودند، چنانكه از فقر و نا دارى، چهره اى رنجور و قامتى ضعيف داشتند. با اين همه، آتش دشمنى عباسيان جز با نابودى كامل و حتى زدودن نام و ياد علويان از دل ها، خاموش نمى شد.

### ٣. ويژگى هاى شخصى امام حسن عسكرىؑ.

ويژگى هاى برجسته آن حضرت فراوان است، اما دو چيز بيشتر از همه موجب دشمنى بنى عباس مى شد:

الف) شخصيت آن حضرت.

امام حسن عسکری علیه السلام در میان مسلمانان آگاه و دین دار، مقامی بلند و منزلتی نیکو داشت. آوازه دانش و فضل وی در سراسر بلاد پهناور اسلام پیچیده بود. مقام معنوی امام در گستره جهان اسلام، برای خلفای عباسی بسیار گران می آمد؛ به ویژه اینکه می دیدند بسیاری از درباریان، فرماندهان و بزرگان مسلمان از حجاز، عراق و ایران و حتی برخی شخصیت های عباسی شیفته آن بزرگوار شده و از ایشان به چشمه سار علم، زهد، پارسایی، سخاوت، فتوت، سیادت و عظمت یاد می نمایند، در آتش رشک و حسد می سوختند. چنانکه حسادت و حساسیت نسبت به امام حسن عسکری علیه السلام بر چهره همه پادشاهان عباسی پیدا بود.

ب) وجود مبارک امام زمان علیه السلام.

در میان مردم، اخباری که از وجود مبارک امام زمان علیه السلام خبر می داد، به تواتر می رسید. و از اینکه همگان شنیده بودند که به وسیله ایشان جهان پر از عدل و داد می گردد، موجی از شادی و افقی از امیدواری در میان آگاهان و ستمدیدگان می گشود.

این اخبار، ذهن حاکمان بنی عباس را نیز به خود مشغول می نمود. چنانکه جاسوسان فراوانی در اطراف خانه امام گماشته بودند تا بلکه خبر میلاد «مهدی موعود» را به گوش آنان برسانند. با این همه،

امام عسکری ؑ هم ارتباط خود با شیعیان را حفظ می نمود و هم در پنهان ساختن وجود مبارک امام زمان ؑ موفق بود.<sup>۱</sup>

### مبحث چهارم: جهاد سیاسی و فرهنگی با شیوه تقیه

امام حسن عسکری ؑ در هدایت مردم و دفاع از اسلام، لحظه ای قرار نداشت. سراسر عمر کوتاه خود را به جهاد و مبارزه در راه خدا اختصاص داد. اگرچه امام عسکری ؑ در اوج جوانی به شهادت رسید، لیکن تلاش و مبارزات فراوان آن حضرت در دو جبهه «فرهنگی» و «سیاسی»، ثمرات گوناگونی به همراه داشت.

در بعد فرهنگی، باعث نجات اسلام از کج روی های فکری و بروز عقاید خرافی شد و در بُعد سیاسی نیز چهره شوم حکومت های عباسی را (که به نام امیرالمؤمنین و یا خلیفه مسلمین، ریاست می نمودند) آشکار ساخت.

اما تمام این ها با شیوه تقیه صورت گرفت زیرا دو راه بیشتر در جلوی پای امام نبود یا باید آشکار اقدام می کرد که این راه جز کشته شدن بدون نتیجه ثمره ای نداشت و یا باید با تقیه پیکارهای سیاسی و

۱. مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۱۹۴.

صمیمی، غلامحسین، نقش تربیتی و سیاسی امام عسکری ؑ، نشریه فرهنگ کوثر، شماره

۶۰، اسفند ماه ۱۳۸۱، ص ۶۲.

فرهنگی خود را برای نجات اسلام ادامه می‌دادند، امام عسکری علیه السلام خود به این مطلب اشاره دارند.

یک حرکت اصیل، برای تداوم، به حفظ موجودیت و استفاده درست و به جا از نیروهای وابسته است. حرکت‌های غیر اصولی و نابجا خطر بزرگی است که حتی نهضت‌های الهی را سمت نابودی پیش می‌برد. بدین سبب، امامان معصوم علیهم السلام، همواره شیعیان را به رعایت اصل قرآنی «تقیّه»<sup>۱</sup> سفارش می‌کردند. امام عسکری علیه السلام ضمن تأکید بر برائت از دشمنان، پیوسته این اصل را به شیعیان یاد آوری می‌کرد. بخشی از روایاتی که بدین حقیقت اشاره می‌کند، عبارت است از:

۱ - یکی از دوستان امام علیه السلام می‌گوید: در سامرا به انتظار زیارت حضرت در بیرون از خانه‌اش به سر می‌بردیم که نامه امام را دریافت کردیم. حضرت نوشته بود: کسی به من سلام و اشاره نکند، در این صورت امنیت جانی نخواهد داشت.<sup>۲</sup>

۲ - صمیری می‌گوید: حضرت برایم نوشت: مواظب خود باشید و آمادگی داشته باشید. پس از سه روز، حادثه‌ای رخ داد. به حضرتش نوشتیم: آیا منظور تان آمادگی برای این حادثه بود؟

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه ۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹.

پاسخ داد: خير، مواظب باشيد؛ پس از چند روز، معتز کشته شد.<sup>۱</sup>  
 ۳- ابوهاشم جعفري، ياور نزديک امام عليه السلام مي گويد: وقتی در زندان بودم، امام عسکري عليه السلام را همراه برادرش جعفر به زندان آوردند. براي عرض سلام به حضورش شتافتم؛ حضرت به مردی که خود را علوی معرفي مي کرد، اشاره کرد تا بيرون رود. پس از خروج او، فرمود: مواظب اين مرد باشيد که جاسوس است و گزارشي از شما براي خليفه آماده کرده است.

اندکی بعد، لباس های آن مرد را گشتيم چنانکه حضرت فرموده بود گزارشي دقيقی به همراه داشت.<sup>۲</sup>

۴- مسعودی از محمد بن عبدالعزیز بلخی چنین نقل می کند:  
 روزی صبحگاهان در خیابان غنم نشسته بودم، امام عسکري عليه السلام از خانه بيرون آمده، می خواست به «باب العامه» برود. با خود گفتم: اگر فرياد کشم و بگويم: «ای مردم اين حجت خدا بر شماست، او را بشناسيد.» مرا خواهند کشت. وقتی نزديک من رسيد، با انگشت سبابه به من اشاره فرمود و سپس بر دهانش قرار داد؛ يعنی خاموش باش. من پيش

۱. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۹۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۲.

کوثری، عباس، مبارزات امام حسن عسکري عليه السلام، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۲۸، تیر ماه ۱۳۷۸، ص ۴۱.

شتافتم و بر پایش بوسه زدم، فرمود: اگر آشکارا بگویی، کشته می شوی.

همان شب خدمتش رسیدم، فرمود: [دو راه بیشتر نیست] یا کتمان یا مرگ؛ پس خود را حفظ کنید.<sup>۱</sup>

### گفتار اول: پیکار سیاسی

پیکار امام حسن عسکری علیه السلام، از پسوند «عسکر» در نام مبارکشان پیداست. عسکر، در زبان فارسی به معنای لشکر و پادگان به کار برده می شود. آن حضرت به خاطر ترسی که در دل حاکمان بنی عباس ایجاد شده بود، تمام مدت امامت خود را در محله نظامیان، بالاجبار سکونت داشت. «متوکل»، خلیفه عباسی به خاطر ترس شدیدی که از امام هادی علیه السلام و فرزند بزرگوارش امام حسن علیه السلام داشت، آن دو وجود پربرکت را از مدینه به سامرا تبعید نمود و تا پایان عمر در حلقه و مراقبت لشکریانش نگه داشت.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، امام حسن عسکری علیه السلام تمام دوران امامت خود را در تبعید، محاصره مأموران عباسی و یا در زندان سپری نمود. با این همه، در مدار مخالفت حکومت بنی عباس گام بر می داشت. نه چون عالمان درباری برای ماندگاری حکومت، دعا می کرد و نه در اعیاد سلطنتی مانند دیگر

۱. اثبات الوصیة، مسعودی، ص ۲۵۱؛ اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۲۲.

۲. مناقب آل ابیطالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۹؛ اعلام الوری، ص ۳۵۱.

شخصیت های مذهبی، به دست بوسی خلیفه می شتافت. حتی وقتی که خلیفه به مسافرت می رفت، در هنگام بازگشت که همه چهره های علمی، فرهنگی، نظامی و سیاسی به پیشوازش می رفتند و همه قبایل به ترتیب منزلت خانوادگی بر سر راهش، همراه با پرچم های ویژه می ایستادند، امام عسکری علیه السلام حضور نمی یافت و بدین گونه، مشروعیت حکومت ظالم عباسی را زیر سؤال می برد.

ترس حکومت از امام تا بدان جا بود که جاسوسان مرتب نزد امام عسکری علیه السلام آمد و شد داشتند و تمام رفتار و گفتار آن حضرت را مو به مو گزارش می کردند. هیچ کس اجازه ورود نزد آن حضرت نداشت. برخی مأموران برای چاپلوسی، امام را نزد پادشاه عباسی خطرناک و در پی دست یافتن به حکومت، معرفی می کردند و از فعالیت های سیاسی و ارتباط ایشان با برخی شیعیان و مخالفان حکومت خبر می دادند.

مبارزه دلیرانه و تلاش خستگی ناپذیر حضرت عسکری علیه السلام باعث شد تا نیمی از شش سال امامتش، در زندان سپری گردد و در زندان مخوف عباسی زیر شدیدترین شکنجه قرار گیرد.

یکی از روش های شکنجه، تنوری بود از چوب و پر از میخ؛ بدین گونه که میخ ها را از بیرون کشیده بودند، چنانکه نوک تیز آن به مقدار دو یا سه سانتی متر از جداره داخل تنور پیدا بود. امام

عسکری<sup>۱</sup> و برخی شیعیان آن حضرت را درون آن قرار می‌دادند و درپوشی بر آن می‌نهادند و آن را به سرعت روی زمین می‌غلطانیدند. میخ‌ها در بدن فرو می‌رفت و دردی جانکاه داشت.<sup>۱</sup>

اما امام از هیچ یک از این شکنجه‌ها ترس و حراسی نداشت و از تمام فرصت‌ها برای ادامه دادن مبارزه سیاسی خود استفاده می‌کردند حتی با نقش انگشتی که بر روی نگین انگشت خود حک کرده بودند.

موقعیتی که امام حسن عسکری<sup>۲</sup> در آن قرار گرفته بود با وضعیت امامان دیگر تفاوت داشت؛ زیرا بعد از وفات وی غیبت امام دوازدهم پیش می‌آمد و شیعیان باید برای تحمل آن آماده می‌شدند. امام حسن عسکری، در چنین زمانی، نگین انگشت خود را با جمله «لا اله الا الله»<sup>۳</sup> متبرک کرد. گویا می‌خواست به شیعیان بگوید گمان نکنید همه چیز به آخر رسیده است؛ گرچه امام هر عصری ناظر بر اعمال مردم و شیعیان است، اما خداوند شاهد اعمال شماست و نباید کاری کنید که باعث بدنامی شیعیان گردد. بر انگشت دیگر آن حضرت، عبارت «سبحان من له مقالید السموات والارض»<sup>۴</sup> حک گردیده بود؛ یعنی

۱. المحاسن و المساوی، ص ۵۳۱؛ تاریخ الفخری، ابن طقطقا، ص ۲۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۸.

همان خدایی که کلید آسمانها و زمین ها تحت قدرت اوست، حضور  
یا غیبت جانشینان پیامبر را تعیین می کند.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم: پیکار فرهنگی

دوره عباسی (به ویژه در زمان امام حسن عسکری علیه السلام) از هر نظر  
بدترین دوره اسلامی بود؛ چرا که به علت عیاشی و ستم پیشگی  
حاکمان و منصب داران و نیز بی خبری و فقر عمومی در سایر بلاد  
اسلام، بسیاری از ارزش های اسلامی از بین رفته بود و اگر تلاش شبانه  
روزی امام عسکری علیه السلام یاری گر اسلام نمی گردید، نام و یاد اسلام در  
ورطه سیاست های حکومت عباسی به نابودی کشیده می شد.

امام عسکری علیه السلام به حسب سختی زمان و اقتضای شرایط مکان (که  
طوفان بی دینی و لاپالایی گری بر سرزمین های اسلامی می وزید) از  
نیروی «کرامت» که خداوند آن را در وجود اولیای خاص خود قرار  
می دهد، در راه تقویت ایمان شیعیان و دیگر شیفت گان وادی حق،  
بهره می جست.

معجزات و کراماتی که با نیروی معنوی آن حضرت رخ  
می نمود، نقش اساسی در هدایت مسلمانان به سوی ارزش های اسلامی  
داشت. چنانکه در همان فضای آلوده و تاریک، که در سراسر

۱. ملکی میانجی، محمد باقر، طرحی از سیمای عسکری علیه السلام، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۱۷،

سرزمین‌های اسلامی جریان داشت، بسیاری از اندیشمندان و آگاهان، امام را به عنوان حقیقت زلال اسلام می‌دانستند و در مشکلات مادی و معنوی به امام حسن علیه السلام پناه می‌بردند.

گرچه امام عسکری علیه السلام زیر نظر مستقیم دولت عباسی قرار داشت؛ لیکن درایت و کاردانی آن حضرت چنان بود که در بیشتر سرزمین‌های اسلامی «نماینده» داشت و از حال مسلمانان آگاه بود. برخی از مساجد و اماکن دینی در شهرها به امر مبارک ایشان ساخته شد؛ از جمله مسجد امام حسن عسکری علیه السلام (مسجد جامع) در قم. این مطلب، نشانگر آن است که آن بزرگوار به وسیله نمایندگان خود و با نیروی امامت، از تمام کاستی‌ها و مشکلات مردم آگاه بوده است.

دانشگاه مخفی امام علیه السلام، حوزه آگاهی و رشد اسلامی همگان به شمار می‌رفت که ثمره آن، پرورش صدها دانشمند و اسلام‌شناس بود. چنانکه از کتب رجال و حدیث پیداست، حداقل ۵۰۰ نفر از جویندگان و علاقه‌مندان به مسائل اسلامی، از محضر آن حضرت بهره برده‌اند. در کتاب‌های رجال نام ۱۰۷ نفر آمده که به عنوان اصحاب خاص امام علیه السلام از آن وجود مبارک، روایت کرده‌اند<sup>۱</sup> و این، نشانه حجمی گسترده و چشمگیر از تلاش علمی امام علیه السلام در بدترین

۱. ر.ک: رجال طوسی؛ الغیبه؛ رجال کشی؛ معجم رجال الحدیث.

دوران حکومت عباسی است. تا زمانی که آن جناب زنده بود، هیچ کس قدرت سوء استفاده و تحریف مسائل اسلامی را نداشت.<sup>۱</sup> بدون تردید یکی از مسئولیت‌ها و وظایف مهم بزرگان و دانشمندان متعهد، حفاظت از سنگر عقاید و معارف اسلام از دستبرد تحریف و تغییر، و به تبع آن مبارزه و ستیز با راهزنان فکر و اندیشه اسلامی است، چرا که سکوت و تساهل در برابر آنها، علاوه بر این که موجب تزلزل اندیشه مردم در اصول و ارکان دین و تحریف حقایق می‌گردد، نوعی کتمان حقیقت نیز در پی دارد و انسان را مشمول این آیه می‌سازد که:

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»<sup>۲</sup>

کسانی که دلایل روشن و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آن که در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند و همه لعنت کنندگان نیز آنها را لعن می‌کنند». سیره امامان (ع) ابعاد گوناگونی دارد. یکی از ابعاد مهم زندگی آنها دفاع از حریم حرمت عقاید، معارف و فرهنگ اسلام ناب بوده.

۱. صمیمی، غلامحسین، نقش تربیتی و سیاسی امام عسکری (ع)، نشریه فرهنگ کوثر، شماره

۶۰، اسفند ماه ۱۳۸۱، ص ۶۲.

۲. سوره ی بقره آیه ۱۵۹.

آنها در این رهگذر کوشش فراوان کردند، حتی در سخت‌ترین اوضاع، در برابر تحریف گران و راهزنان طریق عقیده می‌ایستادند، و به عالمان شیعه تأکید می‌ورزیدند که در حفظ مرزهای عقاید و فرهنگ اسلام سر از پا نشانند، و تا آخرین توان بکوشند، تا آن جا که امام باقر علیه السلام فرمود:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي النَّغْرِ الَّذِي يَلِي أَيْلِسُ وَ عَفَارِيْتُهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنْ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا، وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ أَيْلِسُ وَ شِيعَتُهُ النَّوَاصِبُ، أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مُجِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَيْدَانِهِمْ»

دانشمندان پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر ایلِس و لشکرهایش صف کشیده‌اند، و از حمله‌وری آنها به شیعیان ما که توانایی دفاع از خود را ندارند جلوگیری می‌کنند، و نیز از تسلط ایلِس و پیروان ناصبی او بر آنها جلوگیری می‌نمایند. آگاه باشید ارزش آن دانشمندان شیعه که چنین خود را در معرض دفاع قرار داده‌اند، هزار هزار بار بالاتر از سپاهیان است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار و روم و ترک و خزر، پیکار می‌نمایند. زیرا دانشمندان شیعه نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام، و مدافع دین دوستان ما هستند، در حالی که مجاهدان، حافظ مرزهای جغرافیایی می‌باشند».

۱. ابی‌منصور، احمد بن علی ابن ابی‌طالب طبرسی، احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۵۵.

### بند اول: حفاظت از موزهاى معارف اسلام

امام حسن عسكرى ؑ چه در عصر پدر، و چه در دوران شش ساله امامت خود (از سال ٢٥٤ تا ٢٦٠ هـ.ق) علاوه بر طاغوت ستيزى، همواره با فرقه هاىي كه به نام اسلام، اسلام ناب را تحريف مى كردند - مبارزه مى كرد، و به طور مكرّر در مورد خطر آن ها به شيبيان خود هشدار مى داد. آن حضرت در اين راستا، بسيار كوشيد، و با موضع گيرى هاى قاطع در برابر آن ها، به افشاگرى پرداخت و از گسترش افكار ناراستين آن ها جلوگيرى كرد، چرا كه وجود آن ها سدّ بزرگى فرا راه تعميق و گسترش در رشد اسلام ناب بود، و از سوي ديگر باعث تقويت دشمنان و طاغوت ها مى شد و در نتيجه آب به آسياب دشمن مى ريخت.

امام حسن عسكرى ؑ با جاذبه و دافعه نيرومند، دوستان خالص و دانشمندان كارآمد را به سوي خود جلب مى كرد، و مخالفان و منحرفان دوست نما را كه بر ريشه معارف اسلام تيشه مى زدند به شدت دفع مى نمود، براى دريافتن اين مهم در سيره امام حسن عسكرى ؑ نظر شما را به چند فراز جلب مى كنيم:

١- فارس بن حاتم، يكي از بدعت گزاران بود. جمعى گرداگرد او را گرفته بودند، او با تحريف حقايق، مطالبى را به نام معارف اسلام بدان ها مى آموخت، وى به تذكرات امامان و علمائى شيعه اعتنا نكرده

و از کار خود دست نکشید. سرانجام ابو جنید، به دستور محرمانه امام هادی علیه السلام او را به هلاکت رساند.

در پی این عمل شجاعانه، امام هادی علیه السلام برای ابو جنید، حقوق ماهیانه تعیین کرد. پس از شهادت امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام به خصوص دستور داد که حقوق ماهیانه او را مانند سابق بپردازند، حتی در این مورد برای یکی از نمایندگان نامه نوشت، به این ترتیب برای نابودی بدعت و بدعت‌گزار، جدیت می نمود.<sup>۱</sup>

۲- امام حسن عسکری علیه السلام شنید شخصی به نام «احمد بن هلال» با خودنمایی و الفاظ بازی فریبنده‌ای به عقیده صاف شیعیان می تازد و با صوفی بازی و کج اندیشی، عقیده مردم را متزلزل می کند، با این که بعضی می خواستند او را درستکار و پاکدل و پارسا معرفی کنند و می گفتند: او ۵۴ بار پیاده برای انجام حج به مکه رفته است و... امام حسن عسکری علیه السلام با قاطعیت برای نمایندگانش در عراق نوشت: «*اِحْذَرُوا الصُّوفِيَّ الْمُتَّصِنَ*؛ از آن صوفی ساختگی و دروغین، دوری کنید».

باز عده‌ای واسطه شدند تا بلکه فکر امام حسن علیه السلام را در مورد احمد بن هلال تغییر دهند، امام با کمال صراحت بدون هیچ گونه ابهام فرمود: «امر ما در مورد احمد بن هلال که خدایش او را نیامرزد،

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ترجمه ارشاد، ج ۲، ص ۳۴۳.

به شما رسيد، خداوند گناهان او را نمي آمرزد، و لغزش او را پس نمي گيرد، او بدون كسب رضايت و نظريه ما، با استبداد رأی در امور ما دخالت كرده است، و مطابق هوس هاي نفساني خود رفتار مي كند، خداوند اراده كرده كه او را به دوزخ بفرستد، ما صبر مي كنيم تا خداوند بر اثر نگرين ما، عمر او را كوتاه كند»<sup>۱</sup>.

۳- امام حسن عليه السلام در سرزنش صوفيان و صوفي مسلكان، آن چنان برخورد شديدی می كرد كه در ضمن گفتاری كه به منزله بيانيه ای برای همه شيعیان در تمام اعصار بود، چنین نوشت:

«لَا أَنَّهُمْ قَطَاعُ طَرِيقِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالِدُّعَاةُ إِلَى نَحْلَةِ الْمَلْحِدِينَ، فَمَنْ أَدْرَكَهُمْ فَلْيَحْذَرُهُمْ، وَلْيَصُنْ دِينَهُ وَآيَاتَهُ؛

آگاه باشید آنان راهزنان طريق مؤمنان هستند، و مردم را به راه ملحدان و منكران دين فرا می خوانند، هر كس كه با آنها رو به رو شود، بايد قطعاً از آنها دوری كند، و دين و ايمان خود را از گزند آنان حفظ نمايد»<sup>۲</sup>.

### بند دوم: موضع گيري در برابر منكران خدا و دوگانه پرستان

اسحاق كندی، یکی از منكران اسلام و قرآن بود، و به عنوان دانشمند و فيلسوف عراق در بين مردم شهرت داشت، مخالفت او با

۱. علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۱۸.

۲. محقق اردبیلی، حقیقه الشیعه، ص ۵۹۲.

اسلام به اندازه‌ای بود که تصمیم گرفت کتابی بر ضد قرآن بنویسد و به پندار خود تناقضات قرآن را در آن بیان کند.

امام حسن عسکری<sup>ع</sup> از این موضوع اطلاع یافت. یکی از شیعیانش را که شاگرد اسحاق کندی در علوم ادبی و غیر مذهبی بود، به حضور طلبید، او به محضر امام آمد. امام حسن<sup>ع</sup> به طور محرمانه و خصوصی به او فرمود: «سخنی به تو می‌آموزم، نزد اسحاق کندی برو و همین سخن را به او بگو، البته نه بدون مقدمه، بلکه نزد او برو (با برنامه از پیش طرح شده) او را در کاری که بر ضد قرآن شروع کرده، کمک کن. وقتی که با او دوست خصوصی و مأنوس شدی، به او بگو سؤالی به نظرم آمده می‌خواهم آن را از شما بپرسم، او می‌گوید بپرس، آن گاه به او بگو: «اگر گوینده قرآن (خداوند) نزد تو آید، آیا ممکن است که بگوید مراد من از آیات قرآن، غیر از آن معنایی است که تو گمان کرده‌ای، بلکه منظور من معنای دیگری است؟!»

اسحاق می‌گوید: آری چنین امکانی دارد. در این هنگام به او بگو: «تو چه می‌دانی، شاید منظور خداوند از آیات قرآن، غیر از آن معانی باشد که تو می‌پنداری.» شاگرد مطابق دستور امام حسن<sup>ع</sup> نزد اسحاق کندی رفت، و مدتی او را در کارش یاری رساند، به طوری که کاملاً با او مأنوس

شد، تا این که در فرصتی به او گفت: «استاد! آیا ممکن است که خداوند غیر از این معنایی را که تو از آیات قرآن فهمیده‌ای اراده کرده باشد؟»

استاد فکری کرد و سپس گفت: سؤال خود را دوباره بیان کن. شاگرد سؤالش را تکرار کرد.

استاد گفت: «آری ممکن است که خداوند اراده معانی دیگری غیر از معنای ظاهری که ما می‌فهمیم، کرده باشد».

سپس به شاگرد گفت: این سخن را چه کسی به تو یاد داده است؟ شاگرد پاسخ داد: به دلم افتاد، و از تو پرسیدم. استاد گفت: این کلام بسیار ارجمند و عمیقی است که بعید است از ناحیه تو باشد.

شاگرد گفت: این سخن از امام حسن عسکری علیه السلام است، استاد گفت: «اینک حقیقت را گفتی، چنین مسایلی جز از خاندان نبوت شنیده نمی‌شود». آن گاه استاد درخواست آتش کرد، و تمام آنچه را که درباره وجود تناقض در قرآن، تألیف کرده بود سوزانید و نابود کرد.<sup>۱</sup>

در فراز دیگری از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام می‌خوانیم: یکی از مسلمانان که پدرش دوگانه پرست بود، در ضمن نامه‌ای، از امام حسن علیه السلام خواست تا برای پدر و مادرش دعا کند. امام حسن علیه السلام در

۱. شیخ عباس قمی، انوار البهیة، ص ۳۴۹.

پاسخ او نوشت: «رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَتِكَ، وَالتَّاءُ مَنقُوطَةٌ؛<sup>۱</sup> خداوند مادرت را رحمت کند، آگاه باش که تاء واژه والده دو نقطه دارد». یعنی خیال نکنی که به جای تاء، یاء است و برای پدرت نیز دعا کرده‌ام نه، فقط برای مادرت دعا کردم، چرا که برای دو گانه پرستان دعا نمی‌کنم.

### بند سوم: برخورد شدید با واقفیه و غلات

واقفیه فرقه‌ای بودند که به هفت امام اعتقاد داشتند و امامت امامان بعد از امام کاظم علیه السلام را قبول نداشتند. غلات گروه دیگری از کژاندیشان و تندروها بودند که امامان را بیش از حد خود بالا می‌بردند، و در فکر و روش بر خلاف امامان علیهم السلام حرکت می‌کردند. امام حسن علیه السلام با آنان برخورد شدید نمود، آن‌ها را از خود طرد کرد، و شیعیان را از هرگونه گرایش و تمایل به آن‌ها بر حذر داشت، و با کمال صراحت از آن‌ها بیزاری جست، در این رهگذر نظر شما را به دو حدیث زیر جلب می‌کنم:

یکی از شیعیان که در قسمت غرب ایران [کرمانشاه و اطراف آن] می‌زیست برای امام حسن علیه السلام در ضمن نامه‌ای چنین نوشت: «نظر شما درباره واقفیه چیست؟ آیا آن‌ها را از خود می‌دانید، یا از آن‌ها بیزاری می‌جوئید؟»

۱. شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۳۱۲.

امام حسن عليه السلام در پاسخ او چنین نوشت: «آيا نسبت به عمويت (که از واقفیه است) ترحم می کنی؟ خدا او را رحمت نکند، از او بیزاری بجوی. من در پیشگاه خدا از گروه واقفیه بیزارم. آنها را به دوستی نگیر. از بیمارانشان عیادت نکن، و در تشیع جنازه آنها شرکت ننمای، هرگز بر جنازه آنها نماز نخوان...»<sup>۱</sup>

و در سرزنش غلات و تندروها در ضمن نامه ای نوشت: «من شما را افرادی افراطی می دانم که در پیشگاه خدا، دسته جدا کرده اید و در نتیجه در خسران و هلاکت افتاده اید. هلاکت و عذاب از آن کسی است که از اطاعت خداوند سرپیچی کند و نصیحت اولیای خدا را نپذیرد، با این که خداوند به شما فرمان داده که از خدا و رسول و اولی الامر، اطاعت کنید».<sup>۲</sup>

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۱۲.

۲. سید محمد کاظم قزوینی، الامام الحسن العسكري من المهد الى اللّحد، ص ۸۱.

محمدی اشتهاردی، محمد، پاسداری از حریم عقاید در سیره امام حسن عسکری عليه السلام، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۱۸۸، مرداد ماه ۱۳۷۶، ص ۳۲.

### مبحث پنجم: امام و زندان‌های خلفا

امام عسکری علیه السلام بخشی از دوران امامتش را در زندان‌های طاغوتیان عباسی به سر برد. مدتی نیز، که در ظاهر خارج از زندان بود، تحت مراقبت شدید قرار داشت. شیخ مفید می‌نویسد:

امام عسکری علیه السلام را به نحری، یکی از غلامان مخصوص خلیفه و مسئول نگهداری از حیوانات درنده و شکاری دربار، سپردند؛ نحری بسیار بر او سخت می‌گرفت و آزارش می‌داد. همسرش گفت: وای بر تو، از خدا بترس؛ مگر نمی‌دانی چه شخصیتی به خانه‌ات گام نهاده؟

آنگاه گوشه‌ای از فضایل حضرت را بازگو کرد و گفت: من در مورد او و رفتاری که با وی می‌کنی، بر تو بیمناکم.

نحری گفت: به خدا سوگند، او را در میان درندگان خواهم افکند و چنین نیز کرد. پس از مدتی، وقتی به جایگاه درندگان مراجعه کرد تا دریابد چه بر سر امام آمده، دید حضرت میان درندگان به نماز ایستاده است.<sup>۱</sup>

احمد بن حارث قزوینی می‌گوید: با پدرم در سُرّ من رأی (سامرا) بودیم. پدرم در اصطبل امام عسکری علیه السلام کار می‌کرد. مستعین عباسی استری داشت که از نظر زیبایی و زرنگی بی‌نظیر بود، ولی وحشی

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۳۳۴؛ اثبات الهداة، ج ۶، ص ۲۹۴.

می نمود و سواری نمی داد. وقتی تلاش مسئولان برای رام ساختنش بی نتیجه ماند، یکی از ندیمان خلیفه گفت: چرا این کار را به حسن و اگذار نمی کنی تا بیاید یا سوار استر شود و رامش سازد یا استر او را هلاک کند و تو آسوده خاطر شوی. خلیفه در پی حضرت فرستاد. پدرم نیز همراه حضرت رفت. پدرم گفت: وقتی وارد شدیم، امام نگاهی به استر، که در حیاط ایستاده بود، افکند، پیش رفت و بر کفلش دست نهاد. در این لحظه عرق از پیکر استر سرازیر شد. سپس حضرت نزد مستعین رفت. مستعین او را پیش خویش نشاند و گفت: ابومحمد، این استر را مهار کن!

حضرت به پدرم فرمود: غلام، استر را مهار کن.

مستعین گفت: خودت مهار کن.

حضرت پوستین بر زمین نهاد، برخاست، بر استر دهنه زد و به جای خویش بازگشت.

مستعین گفت: ابومحمد، استر را زین کن.

حضرت فرمود: غلام، زینش کن.

اما خلیفه گفت: خودت زینش کن. پس امام برخاست؛ استر را زین کرد و بازگشت.

مستعین گفت: آیا صلاح می دانی که سوارش شوی؟ حضرت فرمود: آری.

آنگاه سوارش شد، آن را دوانید .... سپس برگشت و پایین آمد. مستعین گفت: ابومحمد، استر را چگونه دیدی؟ فرمود: استری به این خوبی و چالاکی ندیده بودم؛ جز برای خلیفه شایسته نیست. مستعین گفت: خلیفه آن را به شما واگذار کرد. حضرت به پدرم فرمود: غلام، استر را بگیر. پدرم گرفت و برد.<sup>۱</sup>

محمد بن اسماعیل علوی می گوید: امام عسکری علیه السلام را نزد یکی از سرسخت ترین دشمنان آل ابوطالب زندانی ساختند و سفارش کردند که چنین و چنان آزارش ده. هنوز بیش از یک روز از در بند بودن امام نگذشته بود که زندانبان پیرو امام شد. او چنان نزد امام خاضع بود که برایش به خاک می افتاد و جز برای بزرگداشت به چهره حضرت نمی گریست. وقتی حضرت از زندان آزاد شد، این مرد بصیرتش از همه مردم به امام بیشتر بود ...<sup>۲</sup>

وقتی «معتمد»، خلیفه عباسی، حضرت را همراه برادرش «جعفر» به زندان علی بن حزمین فرستاد، پیوسته از حال وی می پرسید و علی بن حزمین پاسخ می داد: روزها را به روزه و شبها را به عبادت می گذراند.

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۳۲۷؛ اثبات الهداة، ج ۶، ص ۲۸۳.

۲. ارشاد، ج ۲، ص ۳۲۹؛ اثبات الهداة، ج ۶، ص ۲۸۵.

معمد روزی تصمیم گرفت امام را آزاد سازد. علی بن حزین پیام معمد را به حضرت ابلاغ کرد. حضرت از زندان بیرون آمد و منتظر ماند تا جعفر نیز به وی پیوندد. علی بن حزین گفت: منتظر نمانید، تنها فرمان آزادی شما آمده است. امام فرمود: به معمد بگو، من و جعفر باهم دستگیر شدیم و می دانی که اگر تنها برگردم، چه خواهد شد؟ این پیام سبب شد معمد با آزادی جعفر نیز موافقت کند. ضمیری می گوید امام در حال بیرون رفتن این آیه را تلاوت فرمود:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»<sup>۱</sup>

اراده می کنند نور الهی را با دهان هاشان خاموش کنند، اما خداوند نورش را کامل می کند، هرچند کافران را ناخوشایند باشد.<sup>۲</sup>

### مبحث ششم: شورش ها در برابر ظلم ها

در روزگار امام افراد و گروه هایی، که برخی از آن ها مورد تأیید حضرت نیز بودند، آشکارا علیه حکومت فاسد شوریدند. مسعودی، مورخ مشهور، در تاریخ خویش به قیام های آن عصر چنین اشاره می کند:

۱. سوره ی صف آیه ۶۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۴.

۱. قیام کوفه به رهبری یحیی بن عمر طالبی (از نوادگان جعفر طیار<sup>۱</sup>) که در سال ۲۴۸ روی داد و سرانجام با شهادت یحیی فروکش کرد؛<sup>۱</sup>

۲. انقلاب حسن بن زید علوی (از نوادگان امام علی<sup>ع</sup>) در طبرستان؛ (گرگان و مازندران) حسن بن زید، پس از نبردی شدید، حکومت منطقه را به دست گرفت و در سال ۲۷۰ وفات یافت؛<sup>۲</sup>

۳. قیام ری به رهبری محمد بن جعفر که در سال ۲۵۰ تحقق یافت. محمد سرانجام دستگیر شد؛<sup>۳</sup>

۴. قیام قزوین که در سال ۲۵۰ به رهبری حسن بن اسماعیل کرکی به وقوع پیوست؛<sup>۴</sup>

۵. قیام سال ۲۵۱ کوفه به رهبری ابن حمزه؛

۶. قیام بصره به رهبری صاحب زنج که در سال ۲۵۵ شروع شد و ۱۵ سال ادامه یافت؛

۷. قیام یعقوب لیث صفار در سیستان که در ۲۶۲ آغاز شد.<sup>۵</sup>

۱. مروج الذهب، مسعودی، ج ۴، ص ۶۳.

۲. مروج الذهب، مسعودی، ج ۴، ص ۶۸.

۳. مروج الذهب، مسعودی، ج ۴، ص ۶۹.

۴. مروج الذهب، مسعودی، ج ۴، ص ۶۹.

۵. مروج الذهب، مسعودی، ج ۴، ص ۱۱۲.

آن حضرت در گستره سیاسی نیز میزان حق و باطل بود. از هر قیام ضدّ دولتی که در جهت عدالت و حقوق مردم انجام می گرفت، مخفیانه حمایت می کرد و اگر کسانی در پی بهره گیری از نیروی مردمی برای مقاصد سیاسی خویش دست به فعالیت می زدند، حضرت قاطعانه می ایستاد و دسیسه آنان را آشکار و خنثی می نمود.

در زمان امامت آن حضرت، فردی به نام «یحیی بن عمر طالبی» بر ضدّ خلیفه عباسی به پا خاست؛ هدفش چنانکه از لا به لای سخنان و شعارهایش پیدا می شود، عدالت اجتماعی و تقسیم غنائم میان ضعیفان و تهی دستان مسلمان بود. در جنگی که بین «یحیی» و «مستعین»، پادشاه ستمگر عباسی در گرفت، یحیی کشته شد و به دستور مستعین و بعد «معتز» جنازه او را بر دروازه بغداد نصب نمودند و مردم را وادار به اظهار بیزاری و بدگویی از قیام کنندگان کردند. در میان بزرگان و چهره های برجسته اسلامی، تنها امام عسکری علیه السلام است که از زبان مبارکش کلمه ای بر ضدّ قیام کنندگان شنیده نشد.

رهبری قیام زنگیان، با فردی به نام «علی بن عبدالرحیم» از قبیله عبدالقیس بود. او خود را علوی و از نوادگان «زید شهید» می نامید. مردم را به یاری فرا می خواند؛ برخی به وی گرویدند و شعار خود را

دفاع از مردم قرار دادند. چون از ناحیه‌ای از شامات به نام «زنج» بود، به این نام نیز معروف شد. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«صاحب الزنج لیس منا اهل البيت»<sup>۱</sup>.

### روژه حضرت حسن عسکری علیه السلام

«السلام عليك يا عصمة المتقين السلام عليك يا امام الفائزين السلام عليك يا ركن المؤمنين»<sup>۲</sup>

ابو سهل می‌گوید: در روزهای آخری که امام حسن عسکری علیه السلام در اثر مسمومیت در بستر شهادت افتاده بود به عیادت ایشان مشرف شدم. آقا به خادمشان فرمودند: برای من مقداری جوشانده بیاورید. مادر امام رمان علیه السلام آن جوشانده را به خدمت امام آوردند و به دست مبارک ایشان دادند، آن قدر ضعف بر آقا چیره شده بود که نتوانستند جوشانده را میل بفرمایند. به خادمشان فرمود: داخل آن اطاق شو، کودکی را در حال سجده می‌بینی، او را به نزد من بیاور - غلام می‌گوید: داخل اطاق شدم، ناگهان دیدم کودکی سر به سجده

۱. حیات‌الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۸۳ - ۲۷۷.

صمیمی، غلامحسین، نقش تربیتی و سیاسی امام عسکری علیه السلام، نشریه فرهنگ کوثر، شماره

۶۰، اسفند ماه ۱۳۸۱، ص ۶۲.

۲. مفاتیح، زیارت نامه امام حسن عسکری.

گذاشته و انگشت سبابه خود را رو به آسمان بلند کرده، عرضه داشتم: سید و آقای من شما را می‌خواهند. آقا زاده نزد امام آمدند. ابو سهل می‌گوید: چون آن کودک به خدمت امام رسید سلام کرد، نگاه کردم دیدم عجب جمالی، چنان نوری از روی مبارکش می‌تابید، همین که امام نظرش به آن کودک افتاد گریستند و فرمودند: «یا سید اهل بیت، اسقنی الماء فانی ذاهب الی ربی». آقا زاده جوشانده را نزدیک لب‌های امام آورد و سیرشان فرمودند.<sup>۱</sup>

مهدی ای روشنی دیده کجایی پسرم  
ای به دریای الهی تو یگانه گهرم  
تو بیا در برم این لحظه آخر بنشین  
تا که از زهر جفا پاره بینی جگرم  
آتش معتمد آن گونه زده شعله به جان  
که ز سوز شرر و سوختنش با خبرم<sup>۲</sup>

۱. منتهی الامال و غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۳، فصل ۳.

۲. ؟، ره توشه راهیان نور، ص ۴۴۰.



## منابع و مآخذ

؟، پیشوای یازدهم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، قم، در راه

حق، ۱۳۶۶

؟، ره توشه راهیان نور، چاپ اول، مؤسسه بوستان کتاب، قم،

۱۳۸۵

ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر

ابن خلکان، تاریخ ابن خلکان یا وفیات الاعیان و انباء ابناء

الزمان، بی نا، بی تا

ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، تهران، کتاب فروشی

اسلامیه، ۱۳۸۴ ق

ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، موسسه انتشارات  
علامه

ابن طقطقی، محمد بن علی، تاریخ فخری در آداب ملکداری  
ودولتهای اسلامی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰

ابی الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح الاربلی کشف الغمّه فی  
معرفه الائمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق

اخطب خوارزم، موفق بن احمد، المناقب للخوارزمی، نجف، المطبعه  
الحیدریه و مکتبتها، ۱۳۸۵ق

بروجردی، حسین بن رضا، بهجة الآمال فی شرح زبده المقال،  
تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۳ق

مهبودی املشی، علی (قطب الدین رواندی)، الخرایج و الجرایح،  
قم، مصطفوی، ۱۳۹۹ق

بیهقی، ابراهیم بن محمد، المحاسن و المساوی، القاهرة، مطبعه  
السعاده، ۱۳۲۵ق

تبریزی، عبدالکریم، سیری در سیره فردی و اجتماعی امام حسن  
عسکری علیه السلام، نشریه مبلغان، شماره ۳۰، ربیع الثانی ماه ۱۴۲۳

جعفری، سید علیرضا، دورنمایی از عصر امام عسکری علیه السلام، نشریه  
فرهنگ کوثر، شماره ۱۷، مرداد ماه ۱۳۷۷

حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، قم،  
المطبعة العلمية، ۱۴۰۱ ق

خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة،  
وبرایش دوم، قم، مطبعة الاداب، ۱۴۰۳ ق  
صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، مکتب حیدریه،  
نجف، ۱۳۸۵ هـ ق

صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران،  
مکتبة الصدوق، ۱۳۹۰ ق

صمیمی، غلامحسین، نقش تربیتی و سیاسی امام عسکری، نشریه  
فرهنگ کوثر، شماره ۶۰، اسفند ماه ۱۳۸۱

طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، بیروت، دارالمعرفه  
طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج، قم، انتشارات اسوه، چاپ  
دوم، ۱۴۱۶ ق

طبری، محمد جواد، امام عسکری و زمامداران معاصر، نشریه  
فرهنگ کوثر، شماره ۱۶، تیر ماه ۱۳۷۷

طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، بیروت، دار و مکتبه  
الهلال، ۱۹۸۵

طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، قم، مؤسسه آل

البيت

طوسی، محمد بن حسن، رجال کشی، مشهد، دانشگاه مشهد،

۱۳۴۸

طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، تهران، مکتبه نینوی الحیدیه،

۱۳۸۵ق

عمادزاده، حسین، زندگانی ائمه معصومین یا چهارده معصوم،

تهران، مکتب قرآن، بی تا

قرشی، باقر شریف، زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، مترجم حسن

اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱

قزوینی، محمد کاظم، الامام العسکری علیه السلام من المهد الى اللحد، قم،

مؤلف، ۱۴۱۳ق

قمی، عباس، انوارالبهیة، مشهد، کتابفروشی جعفری، بی تا

قمی، عباس، مفاتیح الجنان، تهران، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی

فیض کاشانی، ۱۳۷۲

قمی، عباس، منتهی الامال، مشهد، کتابفروشی تبریزی، ۱۳۴۴

کلینی، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب

الاسلامیه، چاپ سوم

- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الاجامعة لدرر اخبار الائمة  
الاطهار، موسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳.ق،  
محدثی، جواد (ناقد و توصیف کننده)، فرهنگ جامع سخنان امام  
عسکری علیه السلام، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۶۰، اسفند ماه ۱۳۸۱  
مسعودی، اثبات الوصیة، مؤسسة انصاریان، قم  
مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم،  
شریف الرضی، ۱۴۲۲ق  
مطهری محب، حسین، رهنمودهای تربیتی امام عسکری علیه السلام، نشریه  
فرهنگ کوثر، شماره ۶۰، اسفند ماه ۱۳۸۱  
مفید، محمد بن محمد، الارشاد، تهران، محمد الاخوندی، ۱۳۷۷ق  
مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، حدیقة الشیعه، تهران، گلی، ۱۳۶۱  
ملکی میانجی، محمد باقر، طرحی از سیمای عسکری علیه السلام، نشریه  
فرهنگ کوثر، شماره ۱۷، مرداد ماه ۱۳۷۷  
نجاشی کوفی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسة  
النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق  
نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینة البحار، تهران، موسسه  
البعثه، ۱۴۰۴ق

نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرك الوسائل، تهران، المكتبة

الاسلاميه، ۱۳۸۲ق